

---

***Representation of Corona on Telegram Platform of Domestic and Satellite Persian Language Channels; A Comparative Study of the Channels IRIB News Agency, VOA & Manoto***

***By: Javad Sadeghi, M.A.\* & Ebrahim Fathi, Ph.D.✉***

**Abstract:**

*Media represent the corona pandemic based on their own perspectives and the demands of the governors positively or negatively, as such they often did not consider the corona as a disease, but an ideological matter. The purpose of this research is to study how corona news is framed.*

*In this research the visual texts, which purposefully selected, of channels IRIB, VOA and Manoto on their Telegram platform were examined using semiotic methods. The publication of Corona images on the telegram platform of IRIB News Agency was framed with “authority of doctors and the cooperation of the people”. VOA telegram platform used the Corona as a tool to “generalize the disease” and framed it as a “demonstration of corona healing processes”. And finally, Manoto channel published video texts related to Corona on its Telegram platform as a “Transformation of Death Relationships”. It can be said that IRIB news agency seeks to conserve the value system and maintain the status quo. In contrast, VOA and Manoto channels seek to construct an ideological and magnify crisis, representing the corona disease with old unrelated myths and implying a distorted meaning.*

**Keywords:** *Representation, Telegram, Framing, Corona, Semiotics*

---

\* Social Communication Sciences

✉ Assistant Prof. In Culture & Communication, IRIB University, Tehran, Iran  
Email: e.fathi@IRIBU.ac.ir



## بازنمایی کرونا در بستر تلگرام شبکه‌های فارسی‌زبان داخلی و ماهواره‌ای (مطالعه تطبیقی کانال‌های خبرگزاری صداوسیما، صدای آمریکا و من و تو)

✉ جواد صادقی\*، ابراهیم فتحی

### چکیده

در عصر کنونی با ظهور پاندمی کرونا، رسانه‌ها این پدیده همه‌گیر را بر اساس چشم‌اندازهای خود و مبتنی بر خواسته‌های حکمرانان، به صورت مثبت یا منفی بازنمایی می‌کنند؛ به طوری که در غالب موارد به کرونا به مثابه یک بیماری محض توجه نداشته‌اند و قبای ایدئولوژیک بر تن آن کرده‌اند. پژوهش حاضر که هدف از آن، مطالعه چگونگی چارچوب‌بندی کرونا بوده است، روش نشانه‌شناسی، متون تصویری کانال‌های خبرگزاری صداوسیما و شبکه‌های ماهواره‌ای صدای آمریکا و من و تو را در پلتفرم تلگرام مورد خوانش قرار داده است. در این پژوهش، تصاویر انتشار یافته به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. رویکرد انتشار تصاویر کرونا در تلگرام خبرگزاری صداوسیما، چارچوب «اقتدار پزشکان و همراه‌سازی مردم» بوده است. کانال تلگرام صدای آمریکا از کرونا به مثابه ابزار «عمومیت بخشیدن بیماری» بهره برد و به چارچوب «نمایش فرایندهای درمانی کرونا» متوسل شده است. در این میان، شبکه من و تو با بهره‌گیری از چارچوب «دگردیسی مناسبات مرگ» در کانال تلگرامی‌اش، متون تصویری مرتبط با کرونا را تهیه و منتشر می‌سازد. می‌توان نتیجه گرفت که در سپهر نشانه‌شناختی، خبرگزاری صداوسیما به دنبال تثبیت نظام ارزش‌ها و حفظ وضع موجود است و در مقابل، شبکه‌های صدای آمریکا و من و تو در پی برساخت ایدئولوژیک و بزرگنمایی بحران‌اند و با اسطوره‌های کهنه از حاشیه به متن رانده شده و متضمن معنای دگردیسی شده، کرونا را بازنمایی می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** بازنمایی، تلگرام، چارچوب‌بندی، کرونا، نشانه‌شناسی

\* کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی - روزنامه‌نگاری، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران  
✉ نویسنده مسئول: دکتری فرهنگ و ارتباطات، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه صداوسیما، دانشکده ارتباطات و رسانه، گروه ژورنالیسم و خبر، تهران، ایران  
Email: e.fathi@IRIBU.ac.ir

### مقدمه

امروزه امپریالیسم رسانه‌ای موجب شده است که رسانه‌ها کارکرد بستر و مجاری طبیعی تهیه و توزیع اطلاعات در جامعه را برای شهروندان از دست بدهند و آنان نتوانند سهم خود را از قدرت‌ها طلب کنند. با ظهور رسانه‌های نوین، مدل‌های ارتباطی از مسیر طبیعی به مسیر مجازی با محوریت کاربران تغییر جهت داده‌اند. این رسانه‌ها، از یک‌سو میزان مشارکت کاربران را افزایش و از سوی دیگر، مرز و فاصله میان رویداد و مخاطب را کاهش داده‌اند. این امر در پدیده‌های بیماری‌زا به‌ویژه در شیوع کرونا، نمود برجسته‌ای داشت. در این خصوص جان ام‌باری<sup>۱</sup> از واکنش‌ها به‌عنوان سلاح اول و از رسانه‌ها، به‌مثابه سلاح دوم بشر یاد می‌کند (گازی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰: ۳). او با بیان این عبارت را در زمان شیوع بیماری آنفلوآنزای H1N1 در سال ۲۰۰۹ بر اهمیت ارتباطات و رسانه‌ها در دوران همه‌گیری تأکید کرد. در آن زمان کسی فکر نمی‌کرد که جهان را ده سال بعد پاندمی کرونا در اضطراب و حیرت بزرگی فرو خواهد برد. دولت‌ها و سیاست‌هایی که بر جهانی‌سازی تأکید می‌کردند، به‌ناچار در قرنطینه‌های ناخواسته فرو رفتند و ناچار از رعایت فاصله فیزیکی و اجتماعی شدند. در شرایط کنترل شیوع کووید<sup>۳</sup> ۱۹، از یک‌سو رسانه‌ها با محدودیت‌هایی همراه بودند و از سوی دیگر، رسانه‌های اجتماعی<sup>۴</sup> مرجع مهم اطلاعاتی برای شهروندان محسوب می‌شدند.

کووید ۱۹ که اولین بار اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی در ووهان<sup>۵</sup> چین گزارش شد، به‌سرعت مرزهای جهان را درنوردید و به بحرانی عالم‌گیر برای سلامت بشر تبدیل شد. در شرایطی که حتی واکنش به‌عنوان سلاح اول، تضمین‌کننده ایمنی و سلامت افراد جامعه نیست؛ این رسانه‌ها هستند که به قول ام‌باری، به‌عنوان سلاح دوم نقش مهمی در کنترل شیوع این بیماری، کاهش اضطراب ناشی از آن و مدیریت هرچه بهتر وضعیت ایفا می‌کنند. در ارتباطات سلامت، رسانه‌های اجتماعی مانند شمشیر دو لبه‌ای هستند که هم می‌تواند دسترسی سریع و گسترده را به اطلاعات را فراهم کند و هم به بستری برای انتشار اطلاعات بی‌اساس و غلط تبدیل شود. از آنجا که اجرای به‌موقع اقدامات مؤثر بهداشت عمومی امری ضروری است، رسانه‌ها می‌توانند نقش مهم انتقال اطلاعات، سیاست‌ها و مقررات را از سوی مقامات به شهروندان عهده‌دار شوند. در حال حاضر پیشگیری و کنترل بیماری‌های عفونی و تبعات آن، اهمیت

1. John M. Barry  
2. Gozzi

3. Covid19  
4. social media

5. Wuhan

بسیار دارد. بنابراین در اختیار داشتن ابزارهای گزارش‌دهی در شرایط بحران به‌منظور هشدار دادن به مردم و نهادهای ناظر بر بهداشت عمومی و دولت در مورد اقدامات صحیح و لازم برای کنترل و به حداقل رساندن خطرات احتمالی، بسیار مهم است. در این میان رسانه‌های همسو و زاویه‌دار هر کدام، نقش خاصی را ایفا می‌کنند. اهمیت پلتفرم‌های اجتماعی<sup>۱</sup> در ارتباطات سلامت، به‌ویژه در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، به‌اندازه‌ای است که سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده بیماری کووید-۱۹، اولین بیماری همه‌گیر جهانی در طول تاریخ است که فناوری‌ها و رسانه‌های اجتماعی را در حجم گسترده‌ای به کار گرفته تا مردم نسبت خطرات آن آگاه و ایمن شوند و با ارتباطات گسترده‌ای که از این طریق برقرار می‌کنند، شیوع بیماری را کاهش دهند (لی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰: ۲).

در عصر کنونی، رسانه‌ها به دلیل تأثیرات فراوان، عرصه واکاوی‌های فرهنگی و اجتماعی بسیاری بوده‌اند. رسانه‌ها جایگاه و فضای بسترسازی فرهنگی، تأمل و ژرفاندیشی درباره اهمیت معنا و اندیشه‌ورزی با توجه به متن فرهنگی و ساخت اجتماعی قلمداد می‌شوند که به تقویت و بازسازی الگویی منسجم از معنا و تأسیس کانون ارزشی مبادرت می‌ورزند (هوور و لاندبای، ترجمه آریایی‌نیا، ۱۳۸۲: ۶۰). با ظهور جامعه شبکه‌ای به‌واسطه وقوع انقلاب در ساحت ارتباطات و افزایش روزافزون اطلاعات و اشباع محتوایی در این جامعه مصرفی، شهروندان برخلاف گذشته با حقایق روبه‌رو نمی‌شوند بلکه تصویری از آن دریافت می‌کنند. در این جامعه، مفاهیم بازنمایی می‌شوند و سبب تغذیه ارتباطی مخاطبان را با نشانه‌ها فریه می‌کنند. بازنمایی، همان برساخت معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است.

در جهان پست‌مدرن، واقعیات از طریق رسانه‌ها برساخته شده و ارائه می‌شوند. در قیاس با جهان پیشامدرن که رویدادها نمایش عمومی نداشتند و در معرض دید عموم قرار نمی‌گرفتند؛ رسانه‌ها مختصات زیست جهان ارتباطی را دستخوش دگردیسی ساخته‌اند و از طریق شبیه‌سازی پدیده‌ها کانون معنایی را جابه‌جا کرده‌اند؛ به تعبیری در حال حاضر، بشر با خود روایت‌ها مواجه نیست بلکه روایت رسانه‌ها به گستره همگانی رسوخ پیدا کرده و واقعیت واقعی وجود ندارد، بلکه در لایه‌هایی از معانی رمزگذاری شده ساختاریافته است؛ به‌طور دقیق نیز همین معانی سازمان‌یافته (فرهنگ) در رمزگشایی آنها نیز مؤثر است (فیسک<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷: ۵).

1. social platforms

2. Li

3. Fisk

مقایسه نحوه بازنمایی و نشان دادن برساختی بودن معنا و مسائل اجتماعی - فرهنگی نوپدید منتج از وضعیت استثنایی کرونا بر اساس رسانه‌های همسو (خبرگزاری صداوسیما) و رقیب (صدای آمریکا و من و تو) در فضای تلگرام، هدف و مسئله اصلی این پژوهش بوده است. با مقایسه آنها از یک سو می‌توان اهداف و سیاست‌های این رسانه‌ها را مشخص کرد و از سوی دیگر، اطلاعات مفیدی در مورد موضوعات برساخت شده، رویکرد ارتباطی و در نهایت چارچوب‌بندی این رسانه‌ها در زمینه بازنمایی متون تصویری کووید ۱۹ به دست داد. در واقع، هر پدیده اجتماعی از جمله محتوای رسانه‌های جمعی، عرصه‌ای است که در آن، گفتمان‌ها به تولید معنا می‌پردازند و برای دستیابی به هژمونی سعی می‌کنند تا ساختار نظام معنایی گفتمان رقیب خود را بشکنند و آن را به حاشیه برانند. بر این اساس، متن از هر نوعی که باشد، در دایره مغناطیسی قدرت متولد می‌شود. هیچ سوژه، نهاد و متنی نمی‌تواند از چنگال قدرت رهایی یابد. همه پدیده‌های اجتماعی، گفتمانی و نمودی از منازعات معنایی میان گفتمان‌ها هستند (راووداد و تقی‌زادگان، ۱۳۹۱: ۷۲).

### پیشینه پژوهش

هر پژوهش در پیوستاری از طیف پژوهش‌های گوناگون قرار دارد که برخی، به لحاظ محتوایی قرابت موضوعی و روش‌شناختی دارند و از این رو، به مثابه مطالعات پیشین مدنظر قرار می‌گیرند و برخی به دلیل تفاوت‌های عمده در موضوع، روش و اهداف، از چرخه بررسی پژوهشگر کنار گذاشته می‌شوند. در این پژوهش، مسئله پژوهشگر، مطالعه روایت‌های کرونا در بستر پیام‌رسان اجتماعی تلگرام است که موضوع روز گفتمان‌های رسانه‌ای و محافل علمی و دانشگاهی به شمار می‌رود. در این زمینه، پژوهش‌های بسیاری مورد رصد و پایش قرار گرفت و به دلیل محدودیت‌های انتشار و ظرفیت پژوهش، در نهایت به پاره‌ای از آنها پرداخته شد. عمده تحقیقات ذکر شده خارجی بود اما چند نمونه هم از پژوهش‌های داخلی گنجانده شد. این نکته قابل ذکر است که پژوهش‌های خارجی از لحاظ محتوایی و روشی، قرابت نزدیکی با پژوهش حاضر دارند؛ به همین دلیل نیز از نحوه بهره‌گیری آنها از روش بازنمایی و استخراج مفاهیم برای تحلیل، الگوگیری شده است. از پژوهش‌های داخلی صرفاً از منظر روشی برای ایجاد ساختار و استخراج مفاهیم بهره برده شد. سعی بر آن بود تا به مطالعاتی

که در حوزه ویروس کرونا (کووید ۱۹) با محوریت فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی مجازی انجام شده‌اند به صورت خلاصه اشاره شود.

گابور<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «بازنمایی پوشش خبری کووید ۱۹ در آفریقا در رسانه‌های غربی و چینی» اظهار کرده است که رسانه‌های غربی در خصوص بیماری کرونا از کانال‌های رسمی آفریقایی، غیررسمی آفریقایی و غیررسمی غربی برای بازنمایی اخبار استفاده کرده‌اند؛ در حالی که رسانه‌های چینی به‌طور عمده از منابع رسمی آفریقایی و چینی در پوشش اخبار بهره جسته‌اند. همچنین پوشش خبری وقایع آفریقا در رسانه‌های غربی بر اساس چارچوب‌های تعارض، منفی، علایق انسانی، تأثیر، برجسته‌سازی و با ترکیبی از لحن مثبت، منفی و خنثی انجام می‌شود؛ در حالی که این چارچوب‌ها در رسانه‌های چینی شامل تأثیر، برجستگی و نوآوری با لحن مثبت هستند. براساس نتایج، بازنمایی کووید ۱۹ آفریقا در رسانه‌های غربی، اغلب منفی نیست و در رسانه‌های چینی به‌طور غیرمعمول مثبت است.

سولاترا<sup>۲</sup> و پراتیوی<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) در نتایج پژوهش «ایدئولوژی در تبلیغات خدمات عمومی کووید ۱۹: رویکردی نشانه‌شناسانه»، اذعان می‌کنند که در مورد بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ در تبلیغات عمومی، چارچوب‌هایی مانند پیشگیری بهتر از درمان، ایدئولوژی مشارکتی، مسئولیت‌پذیری و مقابله خوش‌بینانه در برابر بیماری ارائه شده است چنان‌که به‌طور کلی گفته می‌شود با مشارکت عمومی می‌توان این بیماری را شکست داد.

ساتون<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «۶۰ روز ابتدایی: استراتژی رسانه‌ای اجتماعی آژانس‌های بهداشت عمومی آمریکا در مقابله با پاندمی کووید ۱۹» در بخش نتایج، هفت دوره ارتباطی را ذکر کرده‌اند که هر یک از آنها با تأکید بر موضوعات خاصی مانند: انتقال اطلاعات، اقدامات فردی و جمعی، حفظ انگیزه و تنظیم هنجارهای اجتماعی مشخص شده‌اند. مهم‌ترین یافته پژوهش این است که به‌مرور و با افزایش آگاهی در مورد این بیماری در پاسخ به نیازهای اطلاعاتی مردم، اولویت‌ها و موضوعات مورد تأکید سازمان‌های بهداشتی در آمریکا تغییر کرده است.

ان‌گای<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی را با عنوان «مقابله با بحران سلامت ناشی از کووید ۱۹: تحلیل محتوای استراتژی‌های ارتباطی و تأثیر آنها بر مشارکت عمومی در شبکه‌های اجتماعی» انجام داده‌اند. که به استناد یافته‌های

1. Samuel Mochona Gabore  
2. Sulatra

3. Pratiwi  
4. Sutton

5. Ngai

آن مشخص شده است پیام‌های مربوط به پیشگیری از بیماری که به سبک‌روایی ارائه شده‌اند، اثرگذاری بیشتری بر عموم مردم داشته‌اند. لیو<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «ارتباطات سلامت از طریق رسانه‌های خبری در ابتدای شیوع بیماری کووید ۱۹ در چین: با رویکرد مدل‌سازی دیجیتالی موضوع» با اشاره به نتایج، اظهار کرده‌اند که رسانه‌های چین در مقابل توسعه و شیوع بیماری عقب‌مانده‌اند و تأکید پیام‌هایشان بر جامعه بزرگ‌تر متمرکز بوده است، نه افراد.

هانگ<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش «تحلیل احساسات مرتبط با بیماری کووید ۱۹ در شبکه‌های اجتماعی: با استفاده از هوش مصنوعی» به استناد نتایج بیان می‌کنند که موضوعات مطرح‌شده در پنج دسته کلی قرار می‌گیرند: محیط مراقبت‌های بهداشتی، حمایت عاطفی، اقتصادی و تجاری، تغییرات اجتماعی و فشار روانی. کارکنان بهداشت و سلامت بیشتر در مورد خطرات ناشی از این بیماری بر روح و جسم خود بحث کرده‌اند. به‌طور کلی محتوای پیام‌ها نشان داده است که مردم نسبت به حل این بحران بهداشتی کم‌سابقه در آینده، امیدوارند.

دشتگلی هاشمی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «پوشش خبری ویروس کرونا در فیس‌بوک و توئیتر شبکه‌های خبری برتر جهان» نشان داده‌اند که از لحاظ پوشش خبری، مبتنی بر سه شاخص پسند (لایک)، نظر (کامنت) و بازنشر صفحات فیس‌بوکی، سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی و فاکس‌نیوز موفق‌ترین و صفحات فیس‌بوکی، سی‌سی‌تی‌وی، ان‌دی‌تی‌وی و ان‌اچ‌کی کم‌توفیق‌ترین بوده‌اند و در پایین‌ترین جایگاه قرار گرفته‌اند. همچنین صفحات توئیتری بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، فاکس‌نیوز، الجزیره و دویچه‌وله در مقایسه با پنج صفحه توئیتری دیگر در وضعیت بهتری قرار داشته‌اند.

زارع (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «اطلاع‌یابی سلامت در هنگام همه‌گیری بیماری: مطالعه موردی شهروندان کرمانشاهی در بحران شیوع کووید ۱۹» انجام داده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، شهروندان کرمانشاهی برای اطلاع‌یابی از مطالب مرتبط با کووید ۱۹ بیش از هر منبع و مرجعی، متکی به پیام‌رسان‌های عمومی نظیر تلگرام و واتساپ و صفحات شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و توئیتر بوده‌اند و اخبار را بیشتر از این منابع پیگیری کرده‌اند. مقالات و پژوهش‌های ذکر شده در پیشینه، اغلب از روش تحلیل محتوا بهره

1. Liu  
2. Hung

جسته‌اند؛ علاوه بر این، مخاطب رسانه‌های مورد بررسی آنها عموم مردم ایران نیستند. به همین منظور برای نشان دادن نگاه و گفتمان کانال‌های تلگرامی شبکه‌های فارسی‌زبان داخلی (صداوسیما) و ماهواره‌ای (صدای آمریکا و من و تو) به مطالعه تطبیقی حوزه بازنمایی پاندمی کرونا پرداخته شد. با این حال آنچه انجام این پژوهش را نسبت به پژوهش‌های پیشین ضروری می‌سازد عبارت است از: ۱) کشف تفاوت بازنمایی‌های کرونایی در بستر فضای مجازی (به‌مثابه رسانه جایگزین و ارائه‌دهنده دیدگاه‌های رسانه‌های جریان اصلی)، ۲) بهره‌گیری توأمان از سه رویکرد نشانه‌شناختی برای مطالعه عمیق‌تر و جامع‌تر روایت‌های کرونایی و تفسیر آنها، ۳) شناخت چارچوب‌بندی کلی کانال‌های تلگرامی از بازنمایی متون تصویری رسانه‌ای مرتبط با کرونا و ۴) خوانش معناشناختی رمزگان‌های اجتماعی و تفسیری ایماژهای کرونایی در دو جریان رسانه‌ای رقیب.

### تعریف مفاهیم

تعریف مفاهیم، قضیه‌ای است که برای درک مفاهیم به کار برده شده در عنوان و بین‌الادھانی کردن آن مفاهیم بین خوانندگان پژوهش به کار می‌رود (ساده، ۱۳۷۵: ۶۱). در ضمن بنا به نظر برخی اندیشمندان، روش پژوهش «امر معلوم»، نیازی به تعریف ندارد (سیاسی، ۱۳۵۲: ۲۸۹). در عنوان این پژوهش، مفاهیمی مانند «بازنمایی»، «کرونا»، «بستر تلگرام» و «شبکه‌های فارسی‌زبان داخلی و ماهواره‌ای» به کار رفته‌اند. از بین مفاهیم ذکر شده، چهار مفهوم اخیر به دلیل ضرورت، در بخش طرح مسئله تبیین شده‌اند و تنها به مفهوم بازنمایی اکتفا نشده است. در مقاله حاضر، منظور از بازنمایی، همان تعریف مدنظر هال و جالی است. بازنمایی، مجموعه قواعد و قوانینی از زبان است که به فرآیند تولید معنا و مبادله آن میان اعضای یک فرهنگ در یک جامعه می‌پردازد و شامل زبان، نشانه‌ها و ایماژهایی است که در بازنمایی استفاده می‌شود (هال<sup>۱</sup> و جالی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۱۵).

### چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری برای تجزیه و تحلیل نشانه‌شناسی، امری ضروری است. در این مقاله، از ترکیب سه نظریه «نشانه‌شناسی»، «بازنمایی» و «چارچوب‌بندی» به همراه یک چارچوب نظری انتخابی، برای استخراج مفاهیم و تفسیر یافته‌ها بهره گرفته شده است.

1. Hall  
2. Jhally



### نظریه نشانه‌شناسی پیرس

سوسور<sup>۱</sup> نشانه<sup>۲</sup> را به‌مثابه فرمی تشریح می‌کند که بر اساس آن، عناصر فیزیکی مانند صداها، حروف، حرکات و عناصر ساخت‌یافته، به‌عنوان دال<sup>۳</sup> در نظر می‌گیرد و تصویر یا مفهومی را که این دال‌ها به آن اشاره دارند؛ مدلول<sup>۴</sup> می‌نامد. سپس او به رابطه‌ای را که بین این دو برقرار است را دلالت<sup>۵</sup> اطلاق می‌کند. سوسور روابط بین دال و مدلول را قراردادی<sup>۶</sup> می‌داند که جوامع انسانی به میل و اراده خود از آنها استفاده می‌شود. او برای بیان نظر خود این‌گونه استدلال می‌کند که هیچ دلیل آشکاری برای به‌کاربردن، و گفتن، درخت در مقام تعیین «یک گیاه درختی» وجود ندارد. پیرس<sup>۷</sup> اما دال را بازنمایاننده می‌داند.

برای پیرس تمامی اندیشه‌های انسان به واسطه نشانه‌ها تبیین می‌شود. در طبقه‌بندی پیرس از علائم، سه نوع نشانه به‌عنوان شمایل‌ها، نمایه‌ها و نمادها در نظر گرفته شده است. شمایل<sup>۸</sup>، نشانه‌ای است که برای تشبیه، همانندسازی یا بازتولید مرجع آن به نحوی ساخت یافته است. عکس‌ها ممکن است نشانه‌های شمایل‌گونه باشند، زیرا می‌توان آنها را دید که مراجع خود را به‌صورت بصری بازتولید می‌کنند. واژگان مربوط به علم (نام‌آوایی)<sup>۹</sup> نیز نشانه‌های شمایل‌گونه هستند زیرا مراجع خود را به شیوه‌ای آکوستیک شبیه‌سازی می‌کنند.

نمایه<sup>۱۰</sup>، نشانه‌ای است که به چیزی یا شخصی از نظر وجود یا مکان آن در زمان یا فضا، یا نسبت به چیزی یا شخص دیگری اشاره دارد. دود، نمایه آتش است که نشان می‌دهد آتش کجاست؛ سرفه نمایه سرماخوردگی است و غیره. نماد<sup>۱۱</sup>، نشانه‌ای است که به شیوه‌ای دلخواهانه و قراردادی، در مقام معنایی به ارجاع دلالت دارد. بیشتر نشانه‌شناسان اتفاق نظر دارند که نمادگرایی بازنمایی انسان را از همه قسم‌های دیگر متمایز می‌کند و به‌گونه‌های انسانی اجازه می‌دهد تا جهان را جدا از موقعیت‌های محرک - پاسخ بازتاب دهند. کلمات به‌طور کلی، نشانه‌های نمادین هستند. اما هر دال - شی، صدا، شکل و غیره - می‌تواند نمادین باشد. سفید، رنگی است که می‌تواند نمادی از «پاکیزگی»، «خلوص» یا «بی‌گناهی» باشد، اما تیره، نمادی از «نجاسات»، «ناخالصی» یا «فساد» است. همه این نمادها بر اساس قراردادهای اجتماعی ایجاد شده‌اند و از آن دلالت وضعی نامبرده می‌شود (سبوک<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۱: ۱۱-۵).

1. Saussure  
2. sign  
3. signifier  
4. signified

5. signification  
6. arbitrary  
7. Peirce  
8. icon

9. onomatopoeic  
10. index  
11. symbol  
12. Sebeok

## نظریه رولان بارت

دلالت صریح<sup>۱</sup> اولین سطح دلالت است. این دلالت، معنای تحت‌اللفظی یا آشکار نشانه را توصیف می‌کند، بنابراین، دلالت صریح تصویر بصری به آنچه همه مردم بدون وابستگی به فرهنگ، ایدئولوژی یا جامعه خود مشاهده می‌کنند، اشاره دارد. در این سطح از دلالت، ما با نشانه به‌مثابه معنای اساسی که مستقل از زمینه و تفاسیر ذهنی چنانکه در دلالت ضمنی است، سروکار داریم. برای مثال، در دلالت صریح، تصویر طلوع خورشید به‌عنوان شروع روز و پایان شب معنا می‌شود، درحالی‌که در دلالت ضمنی، در جایگاه معنا، طلوع خورشید را می‌توان یک روز جدید پر از امید، پایان تاریکی، شاید نورانی ... و غیره توصیف کرد یا بسیاری از تفاسیر دیگر (بوزیدا، ۲۰۱۴: ۱۰۰۵).

دلالت ضمنی<sup>۲</sup>، در نشانه‌شناسی اصطلاحی است که رولان بارت برای توضیح نحوه عملکرد نشانه‌ها به کار می‌برد: «تعاملی که رخ می‌دهد را توصیف می‌کند؛ هنگامی که نشانه با احساسات یا عواطف کاربران و ارزش‌های فرهنگشان مطابقت داشته باشد» (فیسک، ۱۹۹۰). از این نظر، تحت تأثیر عوامل ذهنی است که تفاسیر بیشتری را به متن می‌گشاید. او اشاره می‌کند که «دلالت ضمنی، خود یک نظام شامل دال، مدلول و فرایندی است که اولیه را به ثانویه پیوند می‌دهد» (بارت<sup>۴</sup>، ۱۹۶۸). رویکرد بارتی، یگانگی معانی را به رسمیت نمی‌شناسد؛ از آنجاکه متن برای فروریختن معانی متعدد که به تعداد بی‌نهایت دلالت ضمنی تبدیل می‌شود، نیاز به خوانش عمیق دارد، از نظر بارت «دلالت ضمنی بر هستی پیشین دلالت صریح متکی است و همواره در قلمرو عاریتی دلالت صراحت‌دار کار می‌کند» (جامیسون<sup>۵</sup> و جامیسون، ۲۰۰۷).

در چارچوب مطالعات فرهنگی بارتی، اسطوره<sup>۶</sup> را می‌توان مانند دلالت ضمنی، به‌عنوان مرتبه بالاتری از دلالت در نظر گرفت. یلمزلف<sup>۷</sup> استدلال کرده بود که بالاتر از سطح معنایی ضمنی «یک فرانشانه‌شناسی<sup>۸</sup>» قرار دارد که به مسائل جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و مذهبی مربوط به مفاهیمی مانند «ملت، منطقه، اشکال ارزشی سبک‌ها، شخصیت، خلق و خوی و غیره» متعلق است (۱۹۶۱: ۱۲۵). بارت اسطوره‌های فرهنگ معاصر را صرفاً به‌مثابه انباشته‌ای الگودار از دلالت‌های ضمنی تلقی نمی‌کرد بلکه به‌عنوان روایت‌های ایدئولوژیک و به پیروی از یلمزلف، فرم اسطوره‌ای فرازبان<sup>۹</sup> می‌دانست (بارت، ۱۹۵۷: ۱۲۶-۱۲۴). به‌عبارت‌دیگر، «نظامی که سطح محتوای آن خود

1. denotation  
2. Bouzida  
3. connotation

4. Barthes  
5. Jamieson  
6. myth

7. Hjelmslev  
8. metasemiotic  
9. metalanguage

توسط یک نظام دلالتی تشکیل شده است» (بارت، ۱۹۶۷: ۹۰). به‌زعم رولان بارت، اسطوره‌ها ایدئولوژی‌های غالب زمان ما بودند. وی به انواع مختلفی از اسطوره‌های فرهنگی معاصر پرداخت، که معروف‌ترین آنها، تحلیل عکس روی جلد مجله پاری مج<sup>۱</sup> بود که یک سرباز سیاه‌پوست جوان را در حال ادای احترام به پرچم فرانسه نشان می‌داد (چندلر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۱۴۴).

### نظریه چندلر

رمزها نشانه‌ها را در نظام‌های معناداری سازماندهی می‌کنند که دال‌ها و مدلول‌ها را از طریق اشکال ساختاری هم‌نشین‌ها<sup>۳</sup> و جان‌نشین‌ها<sup>۴</sup> به هم پیوند می‌دهند (چندلر، ۲۰۰۷: ۱۴۷). قراردادهای رمزگان‌ها نمایانگر یک بُعد اجتماعی در نشانه‌شناسی است: رمز مجموعه‌ای از شیوه‌های آشنا برای کاربران رسانه است که در یک چارچوب فرهنگی گسترده عمل می‌کنند. در واقع، همان‌طور که استوارت هال می‌گوید: «بدون عملکرد رمزگان هیچ گفتمان قابل‌فهمی وجود ندارد» (هال، ۱۹۷۲: ۱۳۱).

### نظریه بازنمایی

بین انسان‌ها و دنیایی که تجربه می‌کنند، نظامی از نشانه‌ها وجود دارد. نشانه‌ها از طریق ساختارمند شدن در رمزگان معنا پیدا می‌کنند. رمز اصلی زبان است (فاولر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱: ۳). زبان به‌مثابه یک نظام بازنمایی عمل می‌کند. به گفته استوارت هال، بازنمایی<sup>۶</sup> فرایندی است که طی آن اعضای یک فرهنگ، از زبان برای تولید معنا استفاده می‌کنند (هال، ۲۰۰۳: ۶۱).

معنا چیزی است که گوینده، هنرمند، نویسنده و روایتگر قصد بیان آن را دارد و به همین ترتیب، زبان بیانگر خواسته‌ها، اهداف و قصدمندی‌هاست. برخلاف رویکرد بازتابی<sup>۷</sup> که مدعی است: «معنای ابژه‌ها، اشخاص، ایده‌ها یا رویدادها در جهان واقع نهفته و کارکرد زبان بازتاب دادن معنای حقیقی اشیایی است که در ذات آنها قرار دارند؛ بر اساس رهیافت التقاطی یا نیت‌مند<sup>۸</sup>، واژگان آن معنایی را دارند که گوینده می‌خواهد داشته باشند». به استناد این رویکرد، هیچ انعکاسی از جهان خارج وجود ندارد بلکه آنچه در پرده تصویر رؤیت می‌شود؛ همان اراده و خواست پنهانی است که ماورای آن قرار دارد (هال، ۲۰۰۳: ۲۴). «معنا یک تولید و رویه اجتماعی است. جهان سازنده معنا و زبان، مولد معناست». هال

1. paris match  
2. Chandler  
3. syntagms

4. paradigms  
5. Fowler  
6. representation

7. reflective approach  
8. intentional approach

استدلال می‌کند که «معنا» یک فرایند گفتمانی است، در درون نظام زبان عمل می‌کند و مملو از دلالت ایدئولوژیک است. او از روش نشانه‌شناسی برای فهم فرایند معناسازی رسانه‌ها که با ساخت معنا آن را به مخاطبان انتقال می‌دهند، استفاده می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۲۸-۲۲۶).

### نظریه چارچوب‌بندی

هنرمندان می‌دانند که چارچوب<sup>۱</sup> قرار گرفته پیرامون یک نقاشی می‌تواند بر نحوه تفسیر و واکنش بینندگان به خود نقاشی تأثیر بگذارد. در نتیجه، برخی از آنان به نحوه ارائه کار خود بسیار دقت دارند و چارچوب‌هایی را گزینش می‌کنند که مخاطبان را یاری می‌دهد تا تصویر را به درستی ببینند. روزنامه‌نگاران نیز زمانی که تصمیم می‌گیرند جهان سیاسی را توصیف کنند، اساساً در فرایند مشابهی شرکت دارند؛ یعنی تصاویر و کلماتی را انتخاب می‌کنند که قدرت تأثیرگذاری بر نحوه تفسیر و ارزیابی مخاطبان از مسائل و سیاست‌ها را دارند (شیفل<sup>۲</sup> و توکسبری<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). چارچوب‌بندی<sup>۴</sup> را می‌توان به‌مثابه فرایندی تعریف کرد که در آن برخی از جنبه‌های واقعیت گزینش می‌شود و مورد تأکید یا اهمیت بیشتری قرار می‌گیرد تا مسئله و دلایل آن تشخیص داده شود، قضاوت‌های اخلاقی ارائه شود و راه‌حل‌ها و اقدامات مناسب مطرح شود (انتمن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳).

### چارچوب نظری انتخابی

در این بخش به پیوند بین نظریات و مسئله پژوهش و همچنین نحوه استفاده از این نظریات در پژوهش پیش‌رو پرداخته می‌شود. از رویکرد نشانه‌شناختی پیرس در خصوص سه‌گانه نماد، نمایه و شمایل، به این صورت بهره گرفته شد که تصاویر نشر یافته مرتبط با کرونا در سه کانال تلگرامی صداوسیما، صدای امریکا و من و تو، در صورتی که نشان‌دهنده دلالت قراردادی بود، به‌مثابه نماد در نظر گرفته شد. نمادها قراردادی هستند و به‌طور عمده از طریق فرایند یاد گرفتن می‌توانند قابل تحلیل باشند. ایماژهایی که به روابط علی (علت - معلول) اشاره دارند، به‌مثابه نمایه در نظر گرفته شدند. نمایه از طریق فرایند فهمیده شدن قابل تحلیل است. در این پژوهش، برای هر نما یک فکت گنجانده شد و تصاویری که به مفهوم شباهت دلالت داشتند به‌عنوان شمایل مورد توجه قرار

1. Frame  
2. Scheufele

3. Tewksbury  
4. framing

5. Entman

گرفتند. شمایل از طریق فرایند دیده شدن قابل تحلیل است. در پژوهش حاضر، چهره و سیمای سوژه‌ها در مقام شمایل مورد واکاوی قرار گرفت. رویکرد نشانه‌شناختی بارت، در خصوص سه‌گانه دلالت صریح، دلالت ضمنی و اسطوره در تحلیل تصاویر بهره گرفته شد. در این زمینه، تصاویر یا نماهایی که به صورت عینی، معنایی از آنها مستفاد می‌شود، به‌عنوان دلالت صریح یا آشکار مدنظر قرار گرفت و برداشت و درک کلی، تلویحی و سایه‌ای که از ایماژها قابل دریافت بود در حکم دلالت ضمنی را یافت. شایان ذکر است که در پژوهش، متون تصویری رسانه‌ای از رهگذر اسطوره‌ها در جایگاه گفتمان‌ها یا ایدئولوژی‌هایی مورد مذاقه قرار گرفتند و با ارجاعات تاریخی همراه شدند. در خصوص رویکرد نشانه‌شناختی چندلر نیز از بین سه دسته رمزگان اجتماعی، متنی و تفسیری صرفاً دو دسته در تحلیل‌ها مدنظر قرار گرفت. بنابراین این پژوهش، بررسی دو دسته رمزگان را در دستور کار خود قرار می‌دهد: الف) رمزگان‌های اجتماعی که دلالت‌های ضمنی نیرومندی بر نظام روابط اجتماعی جامعه مورد نظر در این پژوهش دارند و می‌توان در یک دسته‌بندی کلی آنها را مشتمل بر رمزگان‌های زبان کلامی، رمزهای اندامی، کالامحور و رفتاری دانست. ب) رمزگان‌های تفسیری یا ایدئولوژیک که به‌طور مستقیم، به تأثیر قدرت در تنظیم روابط رمزگان‌ها مربوط می‌شود و شامل رمزگان‌های ادراک بصری و ایدئولوژیک است.

### روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، باتوجه‌به هدف آن مبنی‌بر خوانش نحوه بازنمایی پدیده کرونا در کانال‌های تلگرامی خبرگزاری صداوسیما، صدای امریکا و من و تو، در تبیین تصاویر منتخب، از روش نشانه‌شناسی بهره گرفته شده است. «نشانه‌شناسی ضمن بررسی و تحلیل نشانه‌ها در متون رسانه‌ای در قالب گفتار، نوشتار و تصویر و فهم دلالت‌های صریح و ضمنی نشانه‌ها، سعی در کشف روابط و ساختارهای پنهان و نهفته‌ای دارد که نشانه‌ها ظواهر و باز نمود آن به شمار می‌روند» (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۰۰). بر اساس نظر کورتین، نشانه‌شناسی با این واقعیت سروکار دارد که ارجاع نه اجتناب‌ناپذیر و نه ضروری است (کورتین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۵۲)، یا اینکه از نشانه‌شناسی برای تعیین ساخت و تفسیر یک نشانه استفاده می‌شود (باسمن<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۶). در این پژوهش از نشانه‌شناسی

1. Curtin

2. Bussmann

برای بیان واقعیت، تبیین و تفسیر ساختار تصاویر بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش از ابتدای پدیدار شدن ویروس کرونا در ایران (اول اسفندماه ۱۳۹۸) تا پایان شهریورماه ۱۴۰۰ را شامل می‌شود. این بازه زمانی در پژوهش دیگری که با روش تحلیل محتوای کمی و رویکرد تطبیقی - مقایسه‌ای (با جامعه آماری: اول اسفند ۹۸ تا آخر بهمن ۹۹) بین کانال‌های تلگرامی شبکه‌های ماهواره‌ای و خبرگزاری صداوسیما در خصوص آرایش رسانه‌ای اخبار تلگرامی کووید ۱۹ انجام گرفته، انتخاب شده است. این پژوهش در واکاوی نشانه‌شناختی متون تصویری، ۷ ماه بیشتر از جامعه آماری یاد شده را در مطالعه مدنظر قرار داد. بر اساس جست‌وجوی واژه «کرونا/کووید ۱۹» در کانال‌های تلگرامی سه رسانه، حدود ۵ هزار متن تصویری استخراج و در نمونه آماری، با توجه به روش نشانه‌شناسی و محدودیت‌های آن، ۲۰۰ تصویر به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. همچنین با در نظر گرفتن محدودیت حجم مقاله، با مراجعه به ۱۰ نفر از کارشناسان و پژوهشگران علوم ارتباطات ۶ تصویر به‌صورت هدفمند (۲ تصویر از هر کانال تلگرامی که با ۸۰ درصد تصاویر ۲۰۰ نمونه جامعه آماری شباهت معنایی و مکانی داشت) و منطبق با اهداف پژوهش، مورد تحلیل قرار گرفتند.

برای اعتبار ابزار این پژوهش، از اعتبار صوری استفاده شد. همان‌گونه که در سطور بالا ذکر آن رفت، ۲۰۰ متن دارای تصاویر کرونایی در اختیار ۱۰ نفر از صاحب‌نظران قرار گرفت و از هر رسانه دو تصویر با نظر ۸۰ درصد موافق گروه اعتبارسنجی برای تحلیل تصاویر بازنمایی شده انتخاب شد. برای افزایش پایایی پژوهش از روش مثلث‌سازی<sup>۱</sup> بهره گرفته شد، به‌طوری‌که هر تصویر پس از تحلیل، به‌صورت جداگانه در اختیار دو تن از پژوهشگران ارتباطات که تصاویر را گزینش کرده بودند و نظر موافق داشتند، قرار داده شد و پس از تأیید آنان در اختیار یک متخصص زبان‌شناسی قرار گرفت و پس از تأیید نهایی آن سه نفر، تحلیل‌های صورت گرفته در پژوهش منظور شد.

روش تحلیل پژوهش حاضر ناظر به اجرای تکنیک تحلیل تصویر بود تا دلالت‌های معنایی گوناگون از نماهای منتخب استخراج شود. در مرحله نخست، به مدد الگوی نشانه‌شناختی پیرس، متون تصویری از رهگذر معناشناختی نماد، نمایه و شمایل مورد بررسی قرار گرفت و به تحلیل این نماها به‌عنوان یک کل قابل تفسیر مبادرت شد. در مرحله دوم، تصاویر با الگوی رولان بارت (دلالت

1. triangulation

صریح، دلالت ضمنی و اسطوره) تحلیل شدند و در مرحله سوم، از طبقه‌بندی سه‌گانه دانیل چندلر (رمزگان‌های اجتماعی، متنی و تفسیری)، دو دسته رمزگان‌های اجتماعی و تفسیری مبنای تحلیل قرار گرفت. در مرحله چهارم نیز به واسطه سه مرحله تحلیل، از چارچوب‌بندی تصاویر بهره گرفته شد تا روایت کلی و یگانه هر کانال در تلگرام به دست آید و امکان تطبیق چارچوب‌های نشانه‌شناختی رسانه‌های فوق در خصوص بازنمایی کرونا فراهم شود. با توجه به ماهیت این پژوهش که خود از نوع کیفی و مفاهیم آن، برآمده از رویکرد تفسیری است؛ مقاله، ادعای تعمیم‌پذیری نتایج ارائه‌شده را ندارد و یافته‌ها در محدوده ۶ متن تصویری منتخب و مورد بررسی، قابل استناد است.

### یافته‌های پژوهش

#### کرونا در قاب پلتفرم تلگرام خبرگزاری صداوسیما

کانال تلگرام رسانه‌های رسمی، بستری برای بیان اراده و خواست چشم‌اندازهای صاحبان آنهاست. تلگرام خبرگزاری صداوسیما به طور معمول کرونا را در دو محیط «اقتدار پزشکان» و «همراه‌سازی دیگری با خود» به‌عنوان دغدغه‌های حکمرانان و بستر امن برای مقابله با کرونا بازنمایی می‌کند.

#### اقتدار پزشکان

پزشکان به دلیل منزلت اجتماعی و جایگاهی که در نظام اجتماعی و فرهنگ عمومی جامعه برایشان تصور می‌شود، نقش برجسته‌ای دارند. در بحران کرونا این نقش پررنگ‌تر شده بود، چنان‌که به سبب عملکردشان «مدافعان سلامت» لقب گرفته بودند و هر که در این حرفه تخصصی جان خود را از دست می‌داد، شهید خوانده می‌شد. اصحاب رسانه نیز عملکرد پزشکان را در قاب‌های بصری به‌صورت آماده‌باش و مقابله‌کننده با ویروس کرونا به تصویر کشیده‌اند که بازگوکننده اقتدار آنان باشد (این اقتدار بازنمایی شده با سه رویکرد صاحب‌نظران نشانه‌شناسی مورد تفسیر قرار گرفت).

تصویر ۱. کانال تلگرامی خبرگزاری صداوسیما، ۱۹ مارس ۲۰۲۰ (پنج‌شنبه، ۲۹ اسفند ۱۳۹۸)



### تحلیل رویکرد نشانه‌شناختی پیرس در تصویر اقتدار پزشکان

نماد: رنگ سفید نماد کمال، خلوص، بی‌گناهی، پاکیزگی، برابری، سادگی و وحدت است. لباس سفید نیز نماد خاک‌سپاری، آرامش و یادآور محیط بیمارستانی یا آرامستانی است. در این تصویر، پوشش سفیدی که سر تا پای بدن جمعی از افراد را پوشانده نماد خطر تهدید جان کنشگران از سوی پدیده ناشناخته‌ای است که سلامت اعضای جامعه را با بحران مواجه کرده است.

نمایه: حالت و رفتار همسوی مدافعان سلامت، نشان از هماهنگی آن دارد. حرکت سفیدپوشان به سمت سوژه‌ای خارج از کادر است. به تعبیری، موضوعی یا پدیده‌ای ناشناخته خارج از قاب بر ساخت شده است. لباس‌های افراد به رنگ سفید و به صورت محافظتی است؛ گویی قرار است در برابر امری دهشتناک صفا‌رایی کنند. در پشت زمینه تصویر به جز افراد سفیدپوش، فضای قاب خلوت است و به نظر می‌رسد اجتماع انسانی در یک «وضعیت استثنایی» و حالت «اضطرار» قرار دارد. جهت حرکت افراد و «حالت رونده و دونده» نشان‌دهنده تعجیل مستمر و مداوم و «در جریان بودن» روزمره یک پدیده خاص و خطرناک سرایت‌پذیر است.

شمایل: چهره افراد پشت به بیننده تصویر است؛ امری که نشان از عدم قطعیت و نگرانی در سطح عمومی دارد.

تفسیر عکس به‌مثابه متن: این تصویر بیانگر به وجود آمدن یک



بیماری همه‌گیر است. تصویر به صورت تصادفی ثبت شده، هدفمند نیست (عکس، لوگو یا برند رسانه‌ای ندارد) و در باورپذیری پدیده بیماری‌زا اثرگذار است. وجود طبقه‌ای از یک طیف خاص (کادر درمان) و فضای آرام در خیابان‌ها نشان می‌دهد که یک بیماری اپیدمیک به وقوع پیوسته است. زاویه دوربین در حالت واید (باز و وسیع) قرار دارد، حس قدرت و احاطه سوژه بر موضوع خبر، این احساس را به بیننده القا می‌کند که پرستاران/کارکنان بیمارستان، در موضع استیلا و چیرگی قرار دارند و از توان مهار بحران برخوردارند.

### تحلیل رویکرد نشانه‌شناختی بارت در تصویر اقتدار پزشکان

دلالت صریح: حرکت جمعی از افراد در کنار هم و با پوشش خاص و سفیدرنگ، نشان‌دهنده پدیدار شدن امری نامتعارف است. با توجه به حضور این افراد در صحن خیابان و نبود جمعیت (مردم عادی)، پدیده‌ای مانند بیماری به ذهن متبادر می‌شود.

دلالت ضمنی: وجود بحران فراگیر در جامعه (جوامع)، برجستگی نقش طبقه‌ای از کنشگران (کادر درمان) و ترس عمومی؛ خلوت بودن فضای قاب نشان‌دهنده این امر است.

اسطوره: بیماری‌های سرایت‌پذیر (اپیدمی/پاندمی) همواره با تشویش و هراس، ابهام، ناشناختگی و همچنین مفهوم «مراقبت از خود و دیگری» همراه است.

### تحلیل رویکرد نشانه‌شناختی چندلر در تصویر اقتدار پزشکان

رمزگان میزانشن در حال عینیت دادن به امری است که از حالت عادی و طبیعی خارج شده و به تعبیری، جنبه عمومی و همگانی یافته است. در این تصویر، لباس کنشگران (رمز صحنه)، این نما (قاب) را معنادار کرده است. در وضعیت ثبات و در سطح جامعه ما با پوشش‌هایی که مختص یک طبقه خاص (پزشکاران و پرستاران) باشد، مواجه نیستیم؛ یعنی ضرورتی به پوشیدن لباس خاصی وجود ندارد. این خود، پیام تلویحی و ضمنی نزدیک شدن به کادر درمان را در بطن خود مستتر دارد. حضور این افراد در حوزه عمومی به معنای برداشته شدن مرز میان پزشکان (بیمارستان) و مردم (جامعه) است. به دلیل سرتاپا پوشیده بودن چهره و بدن کنشگران در قاب، فضای مرتبط با استریل و

ضد عفونی کردن و استریل نمودار می‌شود که خود معنای ضمنی حساس بودن فعالیت علمی - پزشکی (پدیده‌ای شبیه به بیماری سرایت پذیر و اپیدمیک) و بحرانی بودن مسئله را به ذهن متبادر می‌کند. در نمای فوق، زاویه دوربین در حالت واید (باز و وسیع) قرار دارد. این به معنای در مرکز توجه قرار داشتن پزشکان و پرستاران و بازنمایی کننده اقتدار آنان است. با توجه به وضعیت بحرانی و حضور پزشکان، دیگر مرزی بین خیابان و بیمارستان وجود ندارد و همه یکصدا علیه این پدیده همه‌گیر در خیابان و بیمارستان مبارزه می‌کنند و برای نجات اعضای جامعه و هموطنان خود گام‌های تیز و تند برمی‌دارند. حالت «در حرکت بودگی و رونده بودن افراد» به صورت جمعی، نشان از لزوم وحدت دارد و هماهنگی عمومی را برای کنترل بحران می‌طلبد، از سوی دیگر، کادر درمان به عنوان جهادگران سلامت با جان و دل و از اعماق درون برای سلامت جامعه و نجات بیماران و هموطنان خود با الهام از آیه «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup> شتابان در حرکت هستند. حرکت آنان نشان دهنده سبقت‌شان از همدیگر برای کسب مغفرت الهی است. در حالت کلی، تصویر برساخت کننده چارچوب «اقتدار پزشکان» است.

### همراه‌سازی دیگری با خود

یکی از اصول اساسی گفتمان انقلاب اسلامی در پدیده‌های بحران از، اقناع و همراه‌سازی مردم بوده است. حاکمان بر این نکته تأکید دارند که هیچ اقدام احتمالی و ارزشمندی بدون همراهی مردم امکان پذیر نیست. مسئولان امر ایران، مدیریت هر نوع بحران را در گرو «همراه‌سازی مردم» می‌دانند. در بحران کرونا نیز به این امر تأکید داشته‌اند، چنان‌که و تصاویر زیر نیز همراهی مردم با اصحاب قدرت را در سراسر کشور بازنمایی می‌کند (تصویر ۲). این بازنمایی همراهی مردم با سه رویکرد صاحب‌نظران نشانه‌شناسی مورد تفسیر قرار گرفت.

تصویر ۲. کانال تلگرامی خبرگزاری صداوسیما، ۲۲ نوامبر ۲۰۲۰ (یکشنبه، ۲ آذر ۱۳۹۹)



### تحلیل رویکرد نشانه‌شناختی پیرس در تصویر همراه‌سازی دیگری با خود

**شرح نما:** این چهار نما به ترتیب از سمت راست به چپ (نمای اول، ۰۰:۲۰ / نمای دوم، ۰۰:۳۳ / نمای سوم، ۰۰:۴۹ / نمای چهارم، ۰۰:۵۳) از اثنای گزارشی با عنوان «دومین روز از اجرای محدودیت‌های کرونایی» در کانال تلگرامی خبرگزاری صداوسیما انتخاب شده است. این نماها که به‌واسطه نشانه‌ها، امکان تحلیل نشانه‌شناختی دارند و دارای پیام معنادار تصویری هستند از بین مجموعه نماها، برش داده و انتخاب شده‌اند.

**نماد:** در این تصاویر، کتوشلوار نماد پوشش رسمی و احترام به دیگران (مخاطبان) تلقی می‌شود؛ این نوع پوشش در همه کشورها نشانه تشخص و نماد تمدن، پیشرفت و برتری جویی است. کتوشلوار، تبدیل به پوشاکی جهانی شده و در بیشتر همایش‌های سیاسی، ورزشی، علمی و فرهنگی، پوشش رسمی به شمار می‌رود.

چادر، پارچه‌ای است که زنان برای پوشانیدن چهره، دست‌ها و سایر اعضا بر روی همه لباس‌ها به تن می‌کنند. جامه رویین جامه بی‌آستین زیرین زنان که تمام سر و تن و پای و دست را از نظرها مستور دارد. پارچه‌ای است عریض و طویل که زن‌ها سر می‌کنند. چادر نوعی پوشش زنانه است که سرتا پا را فرامی‌گیرد<sup>۱</sup>. چادر مشکی در نمای چهارم، نماد حجاب و پوشش دینی ذیل

۱. ویکی‌پدیا، ۱۴۰۰؛ قابل دسترسی در: <https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%86%D8%A7%D8%AF%D8%B1>

گفتمان دینی و انقلاب اسلامی است که بیشترین بار فرهنگی حیا و عفاف را دارد.

انگشت اشاره در نمای سوم، نماد اشاره به اشیا، افراد و ثبت اثر انگشت است. این انگشت نماد قدرت، اقتدار و رهبری است. در این تصویر، انگشت اشاره نماد اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و نشان دادن وضعیت کلی حاکم بر فضای شهری (خلوت بودن مکان عمومی) است.

نمایه: شرایط حاکم بر فضاها و مکان‌های عمومی و تاریخی شهرها، نماها را به لحاظ معنایی نشان‌دار کرده است. آرام بودن سطح شهر در پس‌زمینه سوژه‌های تصویر نشان‌دهنده وضعیت بغرنج است. ماسک‌هایی که سوژه‌ها بر چهره دارند دال بر غیرعادی بودن اوضاع جامعه است. در نماهای اول و دوم، اشاره سوژه‌ها با دست به فاصله‌های دور و چرخش سر آنها در حکم «نگره هشداردهی به عموم» قابل درک است.

شمایل: سیمای هیچ‌کدام از سوژه‌های موجود در نماها به صورت کامل قابل مشاهده نیست. سیمای هر چهار سوژه شمایل است. وضعیت درخواست‌گونه چهره‌ها، مفهوم «همراه‌سازی شهروندان با خود/الگوگرفتن دیگران» را به ذهن متبادر می‌کند.

تفسیر نما به‌مثابه متن: این نماها به لحاظ معنایی القاکننده امری جهان‌شمول هستند؛ چراکه تمامی جنسیت‌ها (اعم از مرد و زن) درصدد پیام‌رسانی به شهروندان‌اند. در سطح شهر و ابنیه تاریخی، سکوت حکمفرماست و بینندگان با گذر از واسطه پیام‌رسان (خبرنگار/گزارشگر) قادر به تحلیل شرایط موجود هستند. به‌عبارت‌دیگر، قضاوت‌گری از سوی مخاطب در خصوص رعایت آداب قرنطینه به‌واسطه لنز دوربین هم‌سطح با چشم میسر می‌شود. نماها در زاویه دوربین هم‌تراز چشم<sup>۱</sup> قرار دارند. برای اینکه اختلالی بین مخاطب و روایت پدید نیاید؛ عامدانه و به‌صورت هدف‌دار از این نما در گزارش تلویزیونی بهره برده شده تا بینندگان با اصل داستان (خلوت شدن کالبد شهری به خاطر پدیدار شدن بیماری) بدون واسطه مواجه شوند. نحوه ایستایی سوژه‌ها و جهت چرخش بدن‌ها، نشان‌دهنده وحدت رویه داشتن آنها در برابر امری نامتعارف و ناشناخته است. در دو نمای بالا، سوژه‌ها پشت به بیننده قرار دارند و در پی دعوت به امر «خانه‌نشینی» و تغییر رفتار افرادند؛ در دو نمای پایین، سوژه‌ها با نگاهی مستقیم و پیگیرانه، به دنبال تغییر نگرش شهروندان در جهت رعایت

1. Eye level, Level shot

«کنش جمعی قرنطینه» هستند. تمامی نماها در یک سوم ابتدایی مستطیل تلاشی جای گرفته‌اند، این امر همسو با فضای پشتِ سرِ سوژه است که مردم را با حکمرانان همراه نشان می‌دهد (تصویر ۲).

### تحلیل رویکرد نشانه‌شناختی بارت در تصویر همراه‌سازی دیگری با خود

دلالت صریح: چهار سوژه به‌مثابه «خود» اثرگذار به‌صورت مستقیم، «دیگری» را مورد خطاب قرار می‌دهند و در خصوص شرایط غیرقابل کنترل، مشاهده‌پذیر و غیرمعمول جامعه، اطلاع‌رسانی می‌کنند. دلالت ضمنی: رخت‌برستن روح زندگی، بساخت شدن انزوای اجتماعی و اجتناب عموم از گردهمایی و تجمع در فضای شهری، نشان‌دهنده پدید آمدن همه‌گیری سرایت‌پذیر بین شهروندان است. ترکیب‌بندی نماها و حالات صحنه بیانگر این امر است.

اسطوره: در موقعیت‌هایی که بلایای طبیعی و انسان‌ساخت پدیدار می‌شوند؛ همواره کنشگرانی در جایگاه آگاهی‌بخش و هشداردهنده به اجتماع، ایفای نقش می‌کنند (تصویر ۲).

### تحلیل رویکرد نشانه‌شناختی چندلر در تصویر همراه‌سازی دیگری با خود

باتوجه‌به رمزگان صحنه همچون: نبود جمعیت و فضای آرام شهر، هماهنگی سوژه‌ها برای تلنگر زدن به عموم در خصوص بهداشت و سلامت نشان می‌دهد که «موقعیت» معنادار شده است؛ به‌عبارت‌دیگر، بین لزوم رعایت اصول قرنطینه و بیماری، رابطه‌ای علی - معلولی برقرار است؛ یعنی شدت گرفتن نرخ بیماری، معلول نقض آداب بهداشتی در موقعیت‌های اجتماعی - انسانی است. رمزگان کالامحور (پوشش ماسک سوژه‌ها) القائات معنایی ویژه‌ای را بر ذهنیت بینندگان سوار می‌کند؛ فاصله گرفتن بدن‌ها از هم و دوری از تجمعات در کاستن از میزان پدیده بیماری‌زا مؤثر است. ترکیب‌بندی تصاویر، حالات چهره، نگاه سوژه‌ها و جهت قرار گرفتن کالبد آنها (رمزگان اندامی) بیانگر نوعی دعوت عموم به رعایت کنش بهداشتی در روزهای بحران است. در این نماها، خبرنگاران/ گزارشگران در جایگاه یک الگو یا پیام‌رسان، به دنبال تغییر نگرش و رفتار شهروندان هستند (رمزگان تفسیری). در مجموع می‌توان گفت که این نماها بازنمایی کننده «چارچوب همراه‌سازی دیگری با خود» هستند (تصویر ۲).

بازنمایی کرونا در  
بستر تلگرام شبکه‌های  
فارسی زبان داخلی و  
ماهواره‌ای...

## کرونا در قاب پلتفرم تلگرام صدای امریکا

صدای امریکا در میان رسانه‌های موجود، تنها شبکه‌ای است که در چارچوب قانون و تحت نظارت کنگره، ناچار از ارائه مشخص دیدگاه‌های دولت امریکا در قبال کشور ایران بوده است. این کارکرد در بحران شیوع کرونا به دو صورت «عمومیت دادن بیماری» و «نمایش فرایندهای درمانی» در ایران قابل مشاهده بود.

### عمومیت دادن بیماری

پرداختن به ویروس کرونا در رسانه‌های جریان اصلی همچون تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند تلگرام، به خودی خود سبب ضریب خوردن بیماری در حوزه عمومی می‌شود. در کانال تلگرامی صدای امریکا، نشان دادن تبلور نوپدیدگی از بیماری که در گذشته سابقه نداشته باعث اثرگذاری منفی بر ذهنیت سوژه‌های تماشاگری می‌شود که در حال نظاره سوژه درگیر با بیماری هستند. علاوه بر این، وجود حایل یا پرده‌ای سفیدرنگ این تصور را در افکار عمومی شکل می‌دهد که پدیده بیماری‌زا وارد ساحت زیست روزمره شده و جریان عادی زندگی را با اختلال مواجه کرده است. به عبارت دیگر، متن تصویری چونان ویروس حالت سرایت‌پذیر می‌یابد و رسانه فرم تعمیم‌یافته بیماری را برساخت می‌کند (تصویر ۳).

تصویر ۳. کانال تلگرامی صدای امریکا، ۴ مارس ۲۰۲۰ (چهارشنبه، ۱۴ اسفند ۱۳۹۸)



گزارشی از شیعه رضایی

۳۶۵

### تحلیل نشانه‌شناختی تصویر عمومیت دادن بیماری با رویکرد پیرس

**شرح نما:** این نما (۰۰:۴۰) از گزارشی که با عنوان «سازمان بهداشت جهانی می‌گوید خطر مرگ ویروس جدید کرونا بیش از میزان محاسبه شده قبلی است» در شبکه صدای امریکا و کانال تلگرامی این شبکه نشر یافته بود؛ انتخاب شده است.

**نماد:** رنگ سفید نماد کمال، خلوص، بی‌گناهی، پاکیزگی، برابری، سادگی، خودکفایی و شروع جدید است. بیشتر پزشک‌ها، دندانپزشک‌ها و پرستارها لباس سفید می‌پوشند که نشان‌دهنده پاکیزگی و استریل بودن است، با این حال این رنگ می‌تواند باعث احساس ناراحتی در بیمار شود. پارچه/پرده سفید در این ایماژ، به‌مثابه حایل یا «عامل جداساز» سوژه (بیمار) از حوزه عمومی است. ماسک‌های آویخته به چهره افراد حاضر در قاب، نماد «شبیه‌سازی سوژه‌ها» یا نمایش «همگن‌سازی شهروندان» در وضعیت موجود است.

**نمایه:** شرایط حاکم بر فضای شهر، جهت حرکت، حالات سوژه‌ها و نحوه قرارگیری بدن‌ها از نمایه‌های این تصویر است. تمرکز و توجه همه افراد حاضر در قاب و استفاده از یک پرده (پارچه) سفید برای پوشاندن گستره دید عموم، دلالت بر بروز بحران یا فاجعه‌ای همگانی دارد که سلامتی شهروندان را به مخاطره انداخته است. ترکیب‌بندی، بهره‌گیری از یک حایل سفیدرنگ و فضای کلی تصویر نشان می‌دهد که وضعیت از کنترل خارج شده و مسئله «بیمار/بیماری» با گذر از ساحت خصوصی در ساحت عمومی برساخت شده است. سوژه‌ها در صدد مستتر ساختن امری مبهم و ناشناخته هستند که خود را به جامعه تحمیل کرده است.

**شمایل:** در این تصویر چهره‌های پوشانده شده افراد با ماسک پزشکی، شمایل است. حالات صورت و لبخند عاطفی سوژه‌ها در پشت ماسک مخفی مانده و این، نشان از بالا رفتن میزان خطر در جامعه و کاهش ارتباطات انسانی در میان شهروندان دارد.

**تفسیر نما به‌مثابه متن:** سوژه‌ها (کادر درمان) در مستطیل طلایی تصویر و کانون توجه مخاطب جای گرفته‌اند تا اهمیت پدیده بیماری‌زایی را که عموم مردم درگیر آن شده‌اند، نشان دهند. همنشینی خودرو مخصوص حمل بیمار در سمت راست تصویر با خودروهایی که در سمت چپ قرار دارند؛ توأمان تضاد معنایی و ماهوی بین «بی‌ثباتی» - «ثبات»، و «شرایط بحرانی» - «شرایط

عادی» را نمودار می‌سازد. پزشکان با پوشش مخصوص در مکانی معین (جلوی بیمارستان) به واسطه پارچه‌ای سفیدرنگ در جایگاه «ناجیان جامعه» بازنمایی می‌شوند که سعی در حفظ سلامت جسمانی و روانی دارند. ماسکی که سوژه‌ها بر چهره دارند و بخش مهمی از سیمای آنها را پوشش می‌دهد، نشانه مهمی است. علاوه بر اینکه به واسطه ماسک، صورت‌ها استتار می‌شود، امتیاز عاطفی و حالت چهره منحصر به هر فرد از دست می‌رود. همه در وضعیت آیکونیک، یکسان و شبیه به هم قرار می‌گیرند؛ در این وضعیت تفاوت و تمایز از بین می‌رود. یعنی قدرت میمیک صورت و تمایز عاطفی محو می‌شود. به تعبیری بازی با چهره تقریباً متوقف و گفتگوها به دلیل وجود ماسک تضعیف می‌شود و آهنگ کلام ورای ماسک جا خوش می‌کند. با دگرذیسی این مناسبات، شهروندان چونان ماشین از حالت ارگانیکی به مکانیکی شیفیت می‌کنند. جهت دست‌های سوژه‌ها در این فریم، بیانگر ضرورت تعجیل و فوریت داشتن برای زدودن بیماری از سیمای شهر است (تصویر ۳).

### تحلیل نشانه‌شناختی تصویر عمومیت دادن بیماری با رویکرد بارت

**دلالت صریح:** همکاری، هماهنگی و وحدت تمامی سوژه‌های تصویر در راه هدفی مشترک (جلوگیری از شیوع بیماری و رؤیت‌پذیری آن) است.

**دلالت ضمنی:** فوریت، دلهره و دستپاچگی در رفتار کنشگران این قاب و نحوه مقابله و مدیریت «امر بیماری‌زا» به‌عنوان امری مبهم، ناشناخته و ترسناک است.

**اسطوره:** انسجام و اتحاد بین شهروندان و کادر درمان همواره می‌تواند در مواقع بحران، از شیوع بیماری و چرخه سرایت آن به افراد و همچنین دیده شدن «بیمار/بیماری» در گستره همگانی جلوگیری کند (تصویر ۳).

### تحلیل نشانه‌شناختی تصویر عمومیت دادن بیماری با رویکرد چندلر

رمزگان صحنه مانند پارچه سفیدرنگ، سوژه‌ای با لباس سرتاپا پوشیده مختص کادر درمان و خودرو حمل بیمار، تصویر را نشان‌دار ساخته است. به نظر می‌رسد افراد و حرکات بدن آنان (رمزگان بدنی) بیان‌کننده ویژه بودن شرایط و وقوع ناگهانی بیماری بدون آمادگی قبلی جامعه است. ماشین حمل بیمار به‌مثابه رمزگان کالامحور در مقام فوریت و ضرورت داشتن دور کردن پدیده



«بیمار/بیماری» (قرنطینه) از اجتماع انسانی است. نحوه ایستادن سوژه‌های تصویر در مجاورت هم، بالابردن دست‌ها و نگاه‌داشتن حایلی به رنگ سفید (رمزگان رفتاری) در مجموع، ضمن تداعی پیچیدگی و حساسیت کنش پزشکی - درمان، نشان می‌دهد که مرز و حریم میان بیمارستان و حوزه عمومی برداشته شده است. به عبارت دیگر، عمل درمان از نهاد بیمارستان به بطن جامعه تسری یافته و این امر، لزوم توجه به «مراقبت از خود و دیگری» را می‌طلبد.

کلیت تصویر و ترکیب‌بندی آن نشان می‌دهد؛ بیمارستان، فضایی است که در نهاد بشر انقلاب ایجاد می‌کند. مکانی جمع‌زداست، «آگاهی» فرد را محک می‌زند. «بیمار شدن» فرد را به «بژگی» تقلیل می‌دهد؛ «درگیر شدن با جسم» خاصیت‌اش چنین است. درحالی‌که انسان از این «وضعیت» گریزان است و تمایل دارد تا خود را در مقام «سوژگی» بریکشد (رمزگان ادراکی بصری). باتوجه‌به فضای قاب و رفتارهای خودآگاه و ناخودآگاه ارتباطی سوژه‌ها می‌توان گفت؛ بی‌دلیل نیست که نهاد بیمارستان تأسیس شده است؛ چراکه مرگ، بیماری، امر درمان، طرح تخصصی شدن طب، ماسک زدن، جزئی‌نگری به کالبد بیمار و ... سبب می‌شود هر مسئله‌ای در چارچوب بیمارستان محصور شود. وجود این فضا ضروری است تا بیماران و به‌طور کلی «امر بیماری» در جامعه مشاهده و ملاحظه نشود. به تعبیری، از حوزه عمومی به پستوی حوزه خصوصی کشیده شود (رمزگان ایدئولوژیک).

در تصویر، پزشکان مترصد انتقال بیمار هستند؛ در بیماری، نزاع و تخاصم بنیادینی بین «فرد» و «خود»، «روح» و «جسم» بیمار درمی‌گیرد. طبیبان پاسبانان جسم‌اند و ذات بشر گریزان از برای روح است. انسان از ضعف، رنج و «بستری شدن» در بیمارستان به «مرگ» در خانه رضایت دوچندانی دارد. فرد در دو ساحت با «انتخاب» و «جبر» مواجه است. آزاد است به این سبب که تحمل بیماری و مرگ خودخواسته در خانه را ترجیح می‌دهد (تمایل سوژه بیمار به رؤیت‌پذیر نبودن در فضای عمومی) و از سویی در انقیاد است به دلیل عمل به گفته طبیب، راهی جز فرمان‌برداری پیش روی او نیست (انفعال سوژه در مواجهه با بیماری نوپدید). سایه سنگین طب در دنیای مدرن و فهم جهان از کانال بیمارستان - اینکه گره‌گشایی از مسائل از نهاد بیمارستان خواهد بود - حقیقت انکارناپذیر جامعه امروز است. به‌خاطر اضطراب ناشی از مواجهه جسم با اضمحلال است که طبقه طبیبان تقدس ویژه‌ای در اجتماع یافته‌اند (رمزگان

تفسیری). تصویر در حکم یک متن و در جایگاه امر کلی قابل تفسیر متناظر با چارچوب هشدارگونه «عمومیت دادن بیماری» است (تصویر ۳).

### نمایش فرایندهای درمانی

عمده متن‌های تصویری که از شبکه فارسی‌زبان صدای امریکا در ارتباط با کرونا چارچوب‌بندی می‌شوند، جزئیات موقعیت‌های بیمارستانی یا شرایطی را نشان می‌دهند که سوژه‌های کنشگر و درمانگر با سوژه‌های منفعل و تحت درمان درگیر هستند. این تصاویر اغلب فرآورده‌های عاریتی این شبکه محسوب می‌شوند؛ چراکه از تولیدات رسانه‌های ایران برای انگاره‌سازی و روایتگری در طول بحران تغذیه می‌کنند. به تعبیری، این رسانه وضعیتی استثنایی را بازنمایی می‌کند که در آن فضای عمومی با رمزگان‌های گوناگون میزانشن یا صحنه مانند پوشش کادر پزشکی، تخت‌های بستری بیماران و دستگاه‌های مختلفی که مختص فضای درمانی است، اشباع می‌شود. به‌طور کلی، این رسانه در پی تصرف مرزهای اجتماع انسانی، از طریق نمایش فرایندهای درمان کرونا با هدف تعمیق بحران یا فراگیری بیماری‌انگاری به جامعه است (تصویر ۴).

### تحلیل نشانه‌شناختی نمایش فرایندهای درمانی با رویکرد پیرس

**شرح نما:** این چهار نما به ترتیب از سمت راست به چپ (نمای اول، ۰۰:۳۶/نمای دوم، ۰۱:۰۲/نمای سوم، ۰۱:۰۶/نمای چهارم، ۰۱:۴۴) از گزارشی که با عنوان «افزایش دوباره شمار مبتلایان و قربانیان کرونا در ایران» در شبکه صدای امریکا و کانال تلگرامی این شبکه نشر یافته بود؛ انتخاب شده است. این نماها که به واسطه نشانه‌ها امکان تحلیل نشانه‌شناختی دارند و دارای پیام معنادار تصویری هستند، از بین مجموعه نماها برش داده و انتخاب قرار شده‌اند.

تصویر ۴. عکس کانال تلگرامی صدای امریکا، ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱ (دوشنبه، ۲۹ شهریور ۱۴۰۰)



**نماد:** لباس سفید، نماد پاکی و صداقت است. پوشش پزشکان نیز به نشانه پاکیزگی، تمیزی و یکرنگی (نداشتن دورویی) سفید رنگ است. بیمارستان نماد بیماری، تندرستی، غمگساری، جدایی و تنش است.

**نمایه:** سوژه‌های حاضر در نماهای گوناگون در حال انجام کنشی مشابه هستند که همان امر درمان است. اتحاد کادر درمان در این تصاویر به خوبی نمایان است چراکه همه آنها بر سر بالین بیمار حاضر شده‌اند و به صورت ایستاده یا نشسته، وی را تیمار می‌کنند. فضای پشت سر سوژه‌ها مملو از تجهیزات پزشکی است و به عبارت دیگر فضا با نشانه‌های بیماری که بیانگر تعمیم یافتن آن در میان افراد است، اشباع شده است.

**شمایل:** چهره سوژه‌ها شمایل است. در این نماهای منتخب، سوژه‌ها چهره خود را به اجبار پوشانده‌اند و این، مسائلی مانند به مخاطره افتادن سلامتی افراد، بحران پزشکی و سرایت بیماری را به ذهن متبادر می‌کند.

**تفسیر عکس به مثابه متن:** سمت‌وسوی نگاه «سوژه‌های درمانگر» در این نماها اغلب «سوژه تحت درمان» است که کنشگری و انفعال دو قطب

مخالف و درعین حال به هم پیوسته را نشان می‌دهد. فضای بیمارستان و نحوه ایستادن «درمانگران» در برابر تخت‌های بیمارستانی در حکم «دیالکتیک تندرستی و بیماری» است. نحوه پوشش پزشکان (لباس‌های محافظتی) نشان از وحدت رویه و یکرنگی دارد. ترکیب‌بندی تصویر و فضای بیمارستانی که به حالت آماده‌باش درآمده در مجموع، برساخت‌کننده مفهوم «مراقبت» از خود و دیگری است (تصویر ۴).

### تحلیل نشانه‌شناختی نمایش فرایندهای درمانی با رویکرد بارت

**دلالت صریح:** جمعی از سوژه‌ها به‌عنوان کادر درمان بر بالین بیمار حاضر شده‌اند و در حال پرستاری از وی و کاستن از شدت درد حاصل از بیماری هستند. **دلالت ضمنی:** پذیرش آموزه‌های پزشکان از سوی بیماران و انفعال، تسلیم و ناتوانی آنان در محیط بیمارستانی از دلالت‌های تلویحی این نماها محسوب می‌شود. شلوغی و اشباع فضای صحنه نماهای گزینشی، دال بر این امر است. **اسطوره:** درمان و بیماری دوروی سکه‌اند و همواره در طول ادوار تاریخ بشری، سوژه‌های «درمانگر و تحت درمان» در عین افتراق، پیوستگی و اشتراکی جدا ناشدنی با یکدیگر داشته‌اند. به‌عبارت‌دیگر، پزشکان همواره مراقبت‌کننده و تیمارگر بیماران بوده‌اند (تصویر ۴).

### تحلیل نشانه‌شناختی نمایش فرایندهای درمانی با رویکرد چندلر

در این نماها، برای بازنمایی مفهوم امر درمان و نشان دادن آمار ابتلا و مرگ‌ومیر منتج از بیماری به مخاطب (در حوزه سلامت)، به‌صورت همزمان از رمزگان‌هایی مانند وسایل صحنه، پوشاک و رمزگان گفتاری بهره گرفته شده است. در همین زمینه، برای نیل به این مقصود، بهره‌گیری ترکیبی از رمزهای صحنه و پوشاک در اولویت بوده است. وسایل صحنه شامل تجهیزات پزشکی، دستگاه‌های تنفسی و اکسیژن‌ساز، تخت‌های بیمارستانی، ماسک‌های مخصوص تنفسی و امثال آن و رمزگان پوشاک، اعم از گان (لباس سرتاپوشیده محافظتی کادر درمان)، پوشش‌های بدن و صورت مانند ماسک و لباس‌های مختص اتاق عمل است. زبان گفتاری نیز گاهی برای تشریح فعالیت درمان و آمار بیماری به کار گرفته شده است: «مرگ ۳۹۱ نفر در ۲۴ ساعت گذشته بر اثر ابتلا به کووید ۱۹، روند کاهش تدریجی آمار کرونا در کشور» (پاره‌ای از نریشن گزارشگر صدای

امریکا منطبق با نماهای منتخب). در چارچوب برساخت فرایندهای درمانی و علمی، وظیفه بازنمایی، بیشتر بر عهده سطح دیداری و بصری متن است؛ این تصویر است که به بازنمایی اقداماتی می‌پردازد که پزشکان برای درمان بیماران و جزئیات حاصل از آن، انجام می‌دهند. در اخبار سلامت محور تلویزیونی، بخش زیادی از تصاویر مانند نماهای بالا مربوط به محیط‌های بیمارستانی است؛ پرستاران و کنشگران حوزه سلامت در حال فعالیت با ابزار تنفسی مانند ونتیلاتور به نمایش درمی‌آیند. رمزگان میزانشن در حال عینیت دادن به فرایندهایی است که پزشکان در خلال آنها به موفقیت در حوزه سلامت دست می‌یابند؛ مانند شکستن چرخه انتقال ویروس، درمان بیماران مبتلا به کووید ۱۹ و کاستن از آمار مرگ و میر جزء توفیقاتی هستند که از طریق کنش‌های درمانگرانه به دست آمده‌اند. رمزگان پوشاک و وسایل صحنه در چهار نمای منتخب نشان‌دهنده تصویری است که از کنش مراقبت‌محور و درمانی در گزارش تلویزیونی صدای امریکا بازنمایی می‌شود. رمزگان پوشاک در هر چهار نما، فضای استریل را به مخاطب یادآور می‌شود که خود معنای ضمنی «حساسیت» فعالیت پزشکی را به ذهن متبادر می‌سازد. تصویر آشنای استفاده از تجهیزات پزشکی مانند الکتروکاردیوگراف (دستگاه نوار قلب) نیز معنای ضمنی «دقت» کارهای درمانی و علمی را در خود دارد. رمز صحنه در نماهای منتخب که مجراهای پلاستیکی متصل به چندین دستگاه مختلف برای انتقال اکسیژن، سرم، غذا و غیره را نشان می‌دهد و همچنین ابزارآلات درمانی همچون نبض‌سنج، فشارسنج، نقاط اتصال، فلک‌ها و شریان‌های انتقال دارو، سعی در بازنمایی مفهوم «پیچیدگی» کنش درمان‌محور دارد. این سه عنصر (حساسیت، دقت و پیچیدگی) مضامینی هستند که در بخش اعظم اخبار سلامت‌محور این کانال تلگرامی تکرار می‌شوند. بیشتر از آن‌رو که استفاده از محیط بیمارستان، ونتیلاتور (دستگاه تنفسی) و پزشکان در حال تلاش با پوشش‌های ویژه، کلیشه‌ای است که در گزارش‌های تلویزیونی و خبری صدای امریکا برای نشان دادن نحوه درمان بیماران به کار گرفته می‌شود. در مجموع، نماهای منتخب در جایگاه کل قابل تفسیر و بازنمایی‌کننده چارچوب «نمایش فرایندهای درمانی» هستند (تصویر ۴).

### کرونا در قاب پلتفرم تلگرام من و تو

من و تو یک شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بین‌المللی برای سرگرمی و ارائه

خدمات عمومی رایگان به زبان فارسی است. در دوران شیوع کرونا، این شبکه از کانال پیام‌رسان تلگرام برای بازنمایی ایماژهای مرتبط با فضای آرامستانی بهره می‌برد و در این زمینه به چارچوب «دگردیسی مناسبات مرگ» متوسل بوده است.

### دگردیسی مناسبات مرگ

شبکه ماهواره‌ای فارسی‌زبان من و تو با خط‌مشی اثرگذاری بر ناخودآگاه مخاطبان جامعه ایرانی و روایت تهاجمی به‌دقت برنامه‌ریزی شده، با نشان دادن صحنه‌هایی که سوژه‌ها در آن مرگ کرونایی را تجربه کرده‌اند، از ویروس کرونا یک چهره جدید ویرانگر بازتولید می‌کند. همچنین به دنبال بازنمایی مرگ در ساحت نمادین است تا ذهنیت کاربران کانال تلگرامی‌اش را با زوایای تاریک همراه کند و در سپهر پسامرگ برای دیگر سوژه‌هایی که مرگ را بر خود مستولی نمی‌بیند، این امر برایشان به‌طور مستمر تداعی شود. در این زمینه، با برقرار ساختن تضاد تلویحی دیالکتیکی بین هستی و نیستی و با چنگ انداختن به مناسبات مرگ که در دوران کرونا دگردیس شده، به ساقط کردن اعتبار امید به حیات مبادرت می‌ورزد (تصویر ۵).

تصویر ۵. کانال تلگرامی شبکه من و تو، ۱۲ مارس ۲۰۲۰ (پنجشنبه، ۲۲ اسفند ۱۳۹۸) -  
تصویر ۶. کانال تلگرامی شبکه من و تو، ۲ مارس ۲۰۲۰ (دوشنبه، ۱۲ اسفند ۱۳۹۸)



**تحلیل نشانه‌شناختی تصویر دگردیسی مناسبات مرگ با رویکرد پیرس**  
شرح نما: نمای اول، مربوط به ویدیویی با عنوان «خاک‌سپاری بیمار مبتلابه ویروس کرونا در کرج» و نمای دوم، مربوط به ویدیویی با عنوان «دفن بیماران مبتلابه کرونا در آرامستان بهشت معصومه قم» است. این دو نما که به واسطه نشانه‌ها امکان تحلیل نشانه‌شناختی دارند و دارای پیام معنادار تصویری هستند از بین مجموعه نماها برش داده و انتخاب شده‌اند.

**نماد:** رنگ سفید نماد کمال، خلوص، بی‌گناهی، پاکیزگی، برابری، سادگی، خودکفایی و شروع جدید است. آبی به‌عنوان رنگی آرامش‌بخش شناخته شده و اغلب به‌عنوان نماد تقوا، صداقت، اعتماد، وفاداری، حکمت، اعتماد به نفس، هوش، ایمان، حقیقت و بهشت در نظر گرفته می‌شود. رنگ بی‌روشن نماد سلامتی، شفا، آرامش، درک و نرمی و ملایمت است. در تصویر، کادر تدفین، پوشش ویژه‌ای برای دفن و محافظت از سرایت بیماری بر تن دارند. رنگ سیاه یا مشکی نماد ثروت، قدرت، هوش و درایت، جدیت، ناشناخته بودن و مرگ و عزاداری است. در تصویر و در پس‌متن سوژه‌های سفیدپوش، افرادی که لباس مشکی به تن کرده‌اند، نماد غمگساری هستند. گور نماد تسجید و تدفین و قبرستان (گورستان) نماد عبرت‌اندوژی و پند گرفتن است. تابوت نیز صندوقی برای حمل، نگهداری و دفن مردگان و در خوانش‌های فرهنگ دینی، نماد پیوند انسان با عالم برتر است.

**نمایه:** فضای گورستان در هر دو تصویر و شرایط حاکم بر آن، تصویر را به لحاظ معنایی برجسته ساخته است. فاصله گرفتن سوژه‌ها از یکدیگر و نحوه قرار گرفتن آنها از نمایه‌های تصویر است. ترکیب‌بندی تصویر و خلوت بودن فضای قاب در وهله اول، بر غربت حاصل از پدیده مرگ و در وهله دوم، بر خاص و عجیب بودن ماهیت کالبد متوفی بسته به وضعیت بیماری‌زایی دلالت دارد. افرادی که از فاصله دور در حال تماشای دفن جسد هستند، به‌عنوان دیگر نمایه‌های تصویر، است القاکننده دگردیسی وضعیت اجتماعی - فرهنگی جامعه‌اند که مسائل اعتقادی و چگونگی کفن و دفن را دستخوش تغییر ساخته است.

**شمایل:** نگاه‌های خیره و چهره‌های پوشانده شده شمایل‌اند و مفاهیمی چون: ترس، انزوا و ملال را به ذهن متبادر می‌کنند.  
**تفسیر نما به‌مثابه متن:** گوری که به تدفین جسد اختصاص یافته، در

مرکز توجه بیننده قرار دارد چراکه به لحاظ فنی در حریم مستطیل طلایی نما جا خوش کرده است. وجود سوژه‌هایی که پوشش‌هایی به رنگ سفید و سیاه بر تن دارند، نوعی تضاد معنایی خلق کرده است، به این معنا که عاملان تدفین با لباس سفید و روشن به‌مثابه کنشگر در امر تدفین کالبد و اطرافیان فرد متوفی، با لباس سیاه در حکم نظاره‌گر و بی‌کنش در امر پذیرش حقیقت مرگ هستند. در تصویر سمت چپ، تابوت که به‌صورت افقی قرار دارد و افرادی که به‌صورت عمودی بالای سر متوفی ایستاده‌اند، دیالکتیک بین حیات و مرگ را به بیننده یادآور می‌شود. زاویه دوربین در حالت واید (باز و وسیع) قرار دارد و به استیلائی عوامل گورستان بر امر تدفین دلالت می‌کند (تصویر ۵).

### تحلیل نشانه‌شناختی تصویر دگردیسی مناسبات مرگ با رویکرد بارت

**دلالت صریح:** دوری‌گزینی از جسد و اجتناب از نزدیک شدن به کالبد متوفی؛ نحوه ایستادن افراد و بهره‌گیری از پوشش‌های مختص بدن و چهره، به پدیدار شدن یک بیماری مسری شباهت دارد.

**دلالت ضمنی:** انفعال، تردید و تشکیک در افکار، عقاید و به‌تناسب آن رفتار جمعی سوژه‌های تصویر که تضاد تلویحی بین بیماری (مرگ) و سلامتی (زندگی) مؤید آن است.

**اسطوره:** بیماری و مرگ همواره با غربت، تنهایی، غم و احساس فقدان همراه است (تصویر ۵).

### تحلیل نشانه‌شناختی تصویر دگردیسی مناسبات مرگ با رویکرد چندلر

رمزگان میزانشن‌نما نشان‌دهنده ویژه بودن شرایط حاکم بر جامعه است. رمزگان گفتاری (عنوان تیتراژ در عکس) حامل معنای مرگی نمادین و بیانگر بیماری نوپدید است. رمزگان بدنی همچون ظاهر تدفین‌کنندگان و حالات مظلومانه، چهره آنان، نگاه مستقیم و خیره خانواده‌ها، نشان از عجز و ناتوانی افراد دارد. بی‌رمق بودن فضای آرامستان، به محاق رفتن آداب و رسوم یا تشریفات تدفین (رمزگان رفتاری) و پراکنده بودن اطرافیان فرد متوفی درهم‌نشینی با رمزگان کلامی (لباس کادر تدفین) در چارچوب «دگردیسی مناسبات مرگ» و تغییر آیین وداع در ساحت مرگ (رمزگان تفسیری) قابل فهم است (تصویر ۵).



### بحث و نتیجه‌گیری

بازنمایی کرونا در سه کانال تلگرامی نشان می‌دهد، که در هر کنش اجتماعی و سیاسی، عواملی مانند متن، مخاطب، ابزار «رسانه» و بافت اجتماعی «جامعه» نقش دارند. در بین این پنج عامل، بافت اجتماعی رسانه‌ها در کل فرایند ساخت خبر کرونا و بازنمایی رخداد‌های کرونامحور بسیار تأثیرگذار بوده است. معنا یا فهم کنش ارتباطی این رسانه‌ها، حاصل برهم‌کنشی پنج عامل یاد شده است. نگاه رسانه‌ها نسبت به کرونا خنثی و بی‌طرف نیست چراکه این پدیده نوظهور و ناشناخته با سویه‌های سیاسی همراه شده است. به تعبیر دیگر، رسانه‌ها به دنبال ساخت، تحریف و واژگون کردن واقعیت هستند.

طبق نظریه چارچوب‌سازی، رسانه‌ها کاری بیش از خلق برجستگی، انجام می‌دهند. رسانه‌های خبری، با گزینش اینکه چه چیزی در روایت جای گیرد و چه چیزهایی از آن کنار گذاشته شود؛ روایت را چارچوب‌بندی می‌کنند. به عبارت دیگر، رسانه معنای روایت را محدود یا معین می‌کند و در نتیجه، تفسیر مردم از آن روایت را شکل می‌دهد (آن<sup>۱</sup> و گوور<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹: ۱۰۸). در این میان، خبرگزاری صداوسیما به‌مثابه رسانه داعیه‌دار حاکمیت و تربیون نظام جمهوری اسلامی ایران در پی آرام کردن فضای جامعه و فرونشاندن التهاب افکار عمومی منتج از بحران کروناست. به همین منظور، با بهره‌گیری از سوزدهایی چون اصحاب درمان و کادر پزشکی، ضمن برساخت کردن بیماری در پی به تصویر کشیدن نقش کنشگران درمان و چیرگی آنان بر بحران پدید آمده است. خبرگزاری صداوسیما در این زمینه به چارچوب «اقتدار پزشکان» روی آورده؛ همچنین به دلیل بحرانی شدن حوزه عمومی، از نگره هشدارگونه وضعیت استثنایی به‌واسطه نشان دادن کالبد خالی از سکنه شهر بهره می‌گیرد. این خبرگزاری برای بازنمایی موقعیت بحرانی به چارچوب «همراه‌سازی دیگری با خود» و دلالت ضمنی «برساخت شدن انزوای اجتماعی و اجتناب عموم از گردهمایی» متوسل شده است.

در موضع مقابل این رسانه، شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای صدای امریکا و من و تو، به‌مثابه جریان خبری رقیب در سپهر ارتباطی فعالیت می‌کنند. رسانه‌ها عنصر مهم و شاید مهم‌ترین عنصر در چارچوب نظام فرهنگی و اجتماعی نشانه‌ها برای اسطوره‌سازی هستند، به نظر می‌رسد که تلویزیون، اینترنت و دیگر رسانه‌ها می‌توانند به‌طور آشکار، به شکل‌گیری بعضی از

1. An  
2. Gower

اسطوره‌ها کمک کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۵). صدای امریکا با بازنمایی پرده یا حایلی سفیدرنگ در برابر سوژه منفعل و بیمارگون در پی برساخت اسطوره‌های سنتی مانند جدا کردن بیمار از فضای عمومی و جلوگیری از سرایت بیماری به دیگران است. در این زمینه، با به‌کارگیری چارچوب «عمومیت دادن بیماری»، خواه‌ناخواه بیماری را برجسته می‌کند و در ضمیر پنهان سایر سوژه‌ها، تصور بیماری‌انگاری را برمی‌کشد و به‌عبارت‌دیگر، به‌واسطه پدیده بیماری‌زا سوژه عاری از بیماری را به اُبژگی تقلیل می‌دهد. این شبکه همچنین در کانال تلگرامی خود، با نشان دادن جزئیات فضای بیمارستانی، کنش‌های گوناگون پزشکان و بهره‌جستن از رمزگان تفسیری (بازنمایی مضامین حساسیت، دقت و پیچیدگی) درصدد بوده است که پیوستگی جدانشدنی سوژه‌های «درمانگر و تحت درمان» را نمودار سازد و برای نیل به این هدف، از چارچوب «نمایش فرایندهای درمانی کرونا» استفاده کرده است.

شبکه من و تو با بهره‌جستن از نمادگرایی مانند رنگ‌های سفید و سیاه، گورستان و همانند آن، به‌کارگیری نمایه‌هایی چون فاصله‌گرفتن سوژه‌ها از یکدیگر، تماشای دفن جسد از سوی سوژه‌ها از فاصله دور و استفاده از رمزگان صحنه مانند نوع پوشش سوژه‌های حاضر در تصویر به دنبال یادآوری این اسطوره باستانی بوده که بیماری و مرگ همواره با غربت و احساس فقدان، همنشین و توأمان است. ایماژهای بازنمایی‌شده در این شبکه، در جایگاه یک قابل تفسیر، چارچوب «دگردیسی مناسبات مرگ» را به ذهن متبادر می‌کنند. از نظر بارت، اسطوره‌ها در خدمت کارکرد ایدئولوژیک طبیعی‌سازی هستند و می‌توانند کارکرد ایدئولوژیک نشانه‌ها را محقق کنند. قدرت چنین اسطوره‌هایی در این است که «پنهان و ناگفته‌اند» و بنابراین، به نظر می‌رسد تا نیازی به رمزگشایی، تفسیر یا ابهام‌زدایی آنها نباشد، ظهور و بروز نمی‌یابند. بلاغت و دلالت نشانه‌های پیچیده‌ای را ایجاد می‌کنند و اسطوره‌ها نظام‌های نشانه‌ای پیچیده‌ای هستند که تولید نشانه‌های ایدئولوژیک بیشتری را موجب می‌شوند (چندلر، ۲۰۰۷: ۱۴۵).

واکاوی فریم‌های مختلف از این سه شبکه خبری در عصر پاندمی کرونا نشان می‌دهد که کانال پیام‌رسان موبایلی تلگرام، ابزار مناسبی برای بازنمایی کووید ۱۹ در خدمت خلق معنا یا قلب آن است. با استفاده از نشانه‌ها و پراکنش رمزهای زبان کلامی، اندامی، کالامحور، رفتاری، ادراکی و ایدئولوژیک می‌توان

مختصات فهم خودآگاه یا ناخودآگاه مخاطبان از متون رسانه‌ای را دگرگون و خوانشی متضاد ارائه کرد. به اعتقاد بارت، نشانه‌ها معصوم و بی طرف نیستند، بلکه در شبکه‌های پیچیده بازتولید ایدئولوژیکی گرفتارند (اسمیت، ترجمه پویان، ۱۳۸۳: ۱۷۸). به‌طور کلی می‌توان گفت، در سپهر نشانه‌شناختی، خبرگزاری صداوسیما به دنبال تثبیت نظام ارزش‌ها و حفظ وضع موجود است. در مقابل، صدای آمریکا و من و تو در پی برساخت ایدئولوژیکی و بزرگنمایی شده بحران بوده و با اسطوره‌های کهنه از حاشیه به متن رانده شده‌ای که متضمن معنای دگر دیس شده هستند؛ کرونا را بازنمایی می‌کنند.

#### جدول ۱. مقایسه رویکرد بازنمایی رسانه‌ها و چارچوب‌بندی نشانه‌شناختی کرونا در نماهای منتخب

Table 1. Comparison of media representation approach and corona semiotic framing in selected views

توصیف چارچوب نشانه‌شناختی	چارچوب نشانه‌شناختی	شماره تصویر	کانال تلگرام
خبرگزاری صداوسیما در پی آرام کردن فضای جامعه ایران و فرونشاندن التهاب افکار عمومی از طریق نمایش نقش کنشگران درمان و چیرگی آنان بر بحران پدیدار شده است.	اقتدار پزشکان	تصویر ۱	۱. خبرگزاری صداوسیما
خبرگزاری صداوسیما از نگره هشدارگونه حاکم شدن وضعیت استثنایی بر اجتماع، تبعیت مردم از قرنطینه و شیوه‌نامه‌های بهداشتی، برساخت شدن انزوای اجتماعی و اجتناب عموم از گردهمایی به‌واسطه نشان دادن کالبد خالی از سکنه شهر بهره می‌گیرد.	همراه‌سازی دیگری با خود	تصویر ۲	
شبکه صدای آمریکا با نمودار ساختن پرده یا حایلی سفید رنگ در برابر سوژه منفعل و بیمارگون در پی برساخت اسطوره‌های سنتی مانند جداسازی بیمار از حوزه عمومی بوده و استیلای پدیده بیماری‌زا بر ساحت زیست روزمره و اختلال در جریان عادی زندگی مردم را نشان می‌دهد.	عمومیت دادن بیماری	تصویر ۳	۲. صدای آمریکا
صدای آمریکا با نمایش جزئیات فضای بیمارستانی، کنش‌های گوناگون پزشکان و بهره جستن از رمزگان تفسیری مانند پذیرش آموزه‌های پزشکان از سوی بیماران و به‌کارگیری دلالت‌های تلویحی مانند انفعال، تسلیم و ناتوانی مبتلایان در محیط بیمارستانی، کرونا را بازنمایی می‌کند.	نمایش فرایندهای درمانی	تصویر ۴	
شبکه من و تو با بهره جستن از نمادگرایی، یعنی رنگ‌های سفید و سیاه، گورستان و مانند آن و به‌کارگیری نمایه‌هایی چون فاصله‌گرفتن سوژه‌ها از یکدیگر، به دنبال یادآوری این اسطوره باستانی است که بیماری و مرگ همواره با غربت و احساس فقدان، همنشین و توأمان است.	دگر دیسی مناسبات مرگ	تصاویر ۵ و ۶	۳. من و تو

### پیشنهاد‌های رسانه‌ای

۱. گردآوری، بررسی و تحلیل مجموعه‌ای از اصول فنی اولیه و پیشرفته تکنیک‌های تحلیل تصویر و رویکردهای مختلف نشانه‌شناسی و آموزش آنها به اصحاب رسانه و کادر خبری سازمان صداوسیما (مانند تصویربرداران، سردبیران و دبیران خبر، خبرنگاران، ادمین کانال‌های تلگرامی و...) موجب می‌شود تا کارکنان سازمانی، ضمن یادگیری روش‌های تحلیل نشانه‌شناختی، به صورت کنشگرانه و با زیرساخت نظری و علمی، به تولید محتوای هدفمند مبادرت کنند. در این زمینه، سازمان صداوسیما می‌تواند کارگاه‌های آموزشی ضمن خدمت برای کارکنان برگزار کند.

۲. با استناد به یافته‌ها مشخص شد، خبرگزاری صداوسیما در بستر کانال تلگرامی صرفاً با رویکرد امیدبخش و مثبت‌نگری کرونا را چارچوب‌بندی می‌کند چنان‌که چارچوب‌های «اقتدار پزشکان» و «همراه‌سازی دیگری با خود» مؤید آن است. این امر در وهله اول، با توجه به وضعیت استثنایی حاکم بر جامعه و پدیدار شدن بحران کرونا، عقلانی به نظر می‌رسد ولی ممکن است در بلندمدت، با غفلت از جنبه‌های منفی مسئله مثل ساده‌انگاری بیماری در جامعه از سوی شهروندان مواجه شویم. بنابراین پیشنهاد می‌شود که سازمان صداوسیما در برنامه‌های تولیدی، گفت‌وگومحور و بخش‌های مستند به‌طور عام و در بخش‌های خبری و حوزه فضای مجازی/آنلاین به‌طور خاص، بازنمایی هوشمندانه و ویروس کرونا را مورد توجه قرار دهد. چراکه گاهی اوقات عجین کردن دو بُعد روشن و تاریک قضیه، ضمن تعادل‌بخشیدن به روایت، به‌واسطه نگره هشداردهی سبب آگاه‌سازی افراد می‌شود.

### پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. به‌منظور شناخت فضای گفتمانی و کشف دال‌های مرکزی و پیرامونی به‌کاررفته در متون رسانه‌ای، استفاده از روش تحلیل گفتمان در مطالعه عمیق روایت‌های دوران کرونا مناسب به نظر می‌رسد. همچنین می‌توان با بهره‌گیری از روش نشانه‌شناسی گفتمانی (ترکیبی از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و روش نشانه‌شناسی) با هدف تحلیل متن، روابط بینامتنی و بافت اجتماعی، گفتمان حاکم بر سپهر نشانه‌شناختی جریان‌های رسانه‌ای را به‌صورت جامع‌و‌مانع مورد واکاوی قرار داد.

۲. یکی از رویکردهای پژوهشی، انجام پژوهش‌های تطبیقی - مقایسه‌ای در بُعد بین‌المللی است. برای شناسایی راهبردهای نشانه‌شناختی رسانه‌ها در سطح بین‌المللی و نحوه استفاده آنها از تکنیک‌های تحلیل تصویر در بازنمایی کرونا، پیشنهاد می‌شود که متون تصویری شبکه‌های خبری انگلیسی‌زبان مورد تحلیل قرار گیرد.

۳. برای گذر از تحلیل صرف تصاویر به پژوهشگران توصیه می‌شود که یک گام فراتر روند و عناصر فرهنگی و زبان‌شناختی روایت‌های کرونامحور در بستر فرهنگ که توسط رسانه‌ها بر ساخت می‌شوند، را مورد مذاقه قرار دهند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که به‌منظور تفسیر نماد شناسانه و مطالعه نظام نشانه‌های رمزگان‌های گوناگون فرهنگی که در رسانه‌های فارسی‌زبان داخلی و ماهواره‌ای در خصوص ویروس کرونا بازنمایی می‌شود، از روش نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان بهره گرفته شود.

### نوآوری پژوهش

- کشف تفاوت بازنمایی‌های کرونایی در بستر فضای مجازی (به‌مثابه رسانه جایگزین و ارائه‌دهنده دیدگاه‌های رسانه‌های جریان اصلی)
- بهره‌گیری توأمان از سه رویکرد نشانه‌شناختی برای مطالعه عمیق‌تر و جامع‌تر روایت‌های کرونایی و تفسیر آنها
- خوانش معنانشناختی رمزگان‌های اجتماعی و تفسیری ایماژهای کرونایی در دو جریان رسانه‌ای رقیب.

### محدودیت‌های پژوهش

- محدودیت روش‌شناسی نشانه‌شناسی در تحلیل و انتخاب هدفمند موضوع‌های تصویری
- محدودیت تکنولوژیکی بستر پلتفرم تلگرام از جمله فیلترینگ که رصد، پایش و جستجوی تصاویر و کلیدواژه‌های جستجو را دشوار می‌کند.
- چندوجهی بودن موضوع مقاله و توافق نداشتن بر سر آن، در محافل آکادمیکی.

## منابع

- اسمیت، فیلیپ دانیل. (۱۳۸۳). *درآمدی بر نظریه فرهنگی* (ترجمه حسن پویان). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- دشتگلی هاشمی، مانا. (۱۳۹۹). پوشش خبری کرونا در فیس‌بوک و توئیتر شبکه‌های خبری برتر جهان. *مطالعات رسانه‌های جدید*، ۶، (۷)، ۶۴-۳۹.
- راودراد، اعظم و معصومه، تقی‌زادگان. (۱۳۹۱). سپیده یا الی؛ خوانش انتقادی فیلم درباره الی. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۹(۳۱)، ۱۷۳-۱۵۷.
- زارع، امین. (۱۳۹۹). اطلاع‌یابی سلامت در هنگام همه‌گیری بیماری: مطالعه موردی شهروندان کرمانشاهی در بحران شیوع کووید-۱۹. *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، ۱۲(۴).
- ساده، مهدی. (۱۳۷۵). *روش‌های تحقیق*. چاپ اول، تهران: مؤلف.
- سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۵۲). *نظریه‌های شخصیت، یا، مکاتب روان‌شناسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مهدی‌زاده، سید محمد. (۱۳۹۲). *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*. چاپ سوم، تهران: همشهری.
- هوور، استوارت و لاندبای، نات. (۱۳۸۲). *بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ* (ترجمه مسعود آریایی‌نیا). تهران: سروش.

An, S. K. & Gower, K. K. (2009). How Do The News Media Frame Crises? A Content Analysis of Crisis News Coverage. *Public Relations Review*, 35(2), 107-112.

Barthes, R. (1957). *Mythologies*. New York: Hill and Wang.

Barthes, R. (1967). *Elements of Semiology* (trans. Annette Lavers & Colin Smith). London: Jonathan Cape.

Barthes, R. (1968). *Elements of Semiology*. New York: Hill and Wang.

Bouzida, F. (2014). The Semiology Analysis in Media Studies: Roland Barthes Approach. In *Proceedings of SOCIOINT14-International Conference on Social Sciences and Humanities*, 1001-1007.

Bussmann, H.; Kazzazi, K. & Trauth, G. (1996). *Routledge Dictionary of Language and Linguistics*. Routledge.

Chandler, D. (2007). *Semiotics: The Basics*. Routledge.

Curtin, B. (2009). Semiotics and Visual Representation. *Semantic Scholar*.

- Eco, U. (1976). **A Theory of Semiotics**. Bloomington: Indiana University Press.
- Entman, R. M. (1993). Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm. **Journal of Communication**, 43(4), 51-58.
- Fisk, J. (1987). **Television Culture**. London: Routledge.
- Fisk, J. (1990). **Introduction to Communication Studies**. 2nd ed. New York: Routledge.
- Fowler, R. (1991). **Language in the News: Discourse and Ideology in the Press**. Routledge.
- Gabore, S. M. (2020). Western and Chinese Media Representation of Africa in COVID-19 News Coverage. **Asian Journal of Communication**, 30(5), 299-316.
- Gozzi, N.; Tizzani, M.; Starnini, M.; Ciulla, F.; Paolotti, D.; Panisson, A. & Perra, N. (2020). Collective Response to Media Coverage of the COVID-19 Pandemic on Reddit and Wikipedia: Mixed-Methods Analysis. **Journal of Medical Internet Research**, 22(10), e21597.
- Hall, S. & Jhally, S. (2007). **Representation & the Media**. Northampton, MA: Media Education Foundation.
- Hall, S. (1972). 1980. Encoding/Decoding. Centre for Contemporary **Cultural Studies (ed.) Culture, Media, Language: Working Papers in Cultural Studies**, 79, 128-38.
- Hall, S. (2003). **Representation: Cultural Representation and Signifying Practices**. London: Sage Publications.
- Hjelmslev, L. (1961). **Prolegomena to a Theory of Language** (trans. Francis J. Whitfield). Madison: University of Wisconsin Press.
- Hung, M.; Lauren, E.; Hon, E. S.; Birmingham, W. C.; Xu, J.; Su, S. & Lipsky, M. S. (2020). Social Network Analysis of COVID-19 Sentiments: Application of Artificial Intelligence. **Journal of Medical Internet Research**, 22(8), e22590.
- Jamieson, G. H. & Jamieson, H. (2007). **Visual Communication: More Than Meets the Eye**. Intellect Books.
- Li, J.; Xu, Q.; Cuomo, R.; Purushothaman, V. & Mackey, T. (2020). Data Mining and Content Analysis of the Chinese Social Media Platform Weibo During the Early COVID-19 Outbreak: Retrospective Observational Infoveillance Study. **JMIR Public Health and Surveillance**, 6(2), e18700.
- Liu, Q.; Zheng, Z.; Zheng, J.; Chen, Q.; Liu, G.; Chen, S. & Ming, W. K. (2020). Health Communication Through News Media during the Early Stage of the COVID-19 Outbreak in China: Digital Topic Modeling Approach. **Journal of Medical Internet Research**, 22(4), e19118.

Ngai, C. S. B.; Singh, R. G., Lu, W. & Koon, A. C. (2020). Grappling with the COVID-19 Health Crisis: Content Analysis of Communication Strategies and Their Effects on Public Engagement on Social Media. **Journal of Medical Internet Research**, 22(8), E21360.

Scheufele, D. A. & Tewksbury, D. (2007). Framing, Agenda Setting, and Priming: The Evolution of Three Media Effects Models. **Journal of Communication**, 57(1), 9-20.

Sebeok, T. A. (2001). Signs: **An Introduction to Semiotics**. University of Toronto Press.

Sulatra, I. K. & Pratiwi, D. P. E. (2020). **The Ideology Within Covid-19 Public Service Advertisements: A Semiotic Approach**.

Sutton, J.; Renshaw, S. L. & Butts, C. T. (2020). The First 60 Days: American Public Health Agencies' Social Media Strategies in The Emerging COVID-19 Pandemic. **Health Security**, 18(6), 454-460.